

تشیجاتی از امامت

راجع
به عهد و میثاق الهی

مؤسسہ عالی مطبوعات امری
۱۳۱ بدیع

فهرست عناوین

صفحه	
۱	تعیین مرکز منصوص عهد و پیمان الهی
۲-۳-۴	معرفت الله و استقامت احدٌ جز حق جل جلاله بر مقتضیات الهیه آگاه نیست
۵	مقصود از حمل بلا یا
۶	معاشرت با ابرار و دوری از اشرار
۷-۸	بُطلان ظهور قبل از اتمام الف سنه
۹	محبّت و اتحاد
۱۰	عهد الله را مشکنید
۱۱	توجه با فق امر الله نه با عمال و اقوال مدعیان و کاذبان
۱۱	حفظ نفوس از معاشرت با مشرکین و غافلین
۱۲	ثبوت و رسوخ بر امر الله
۱۴	اساس عقاید اهل بها
۱۴	بیت العدل اعظم للهی
۱۶	روح حیات
۱۷	کُلش. توحید
۱۸	وحدت بهائی

فہرست عناوین

صفحہ	
۱۸	امتحانات الہیہ
۲۰	صفت ثابتین
۲۰	قوہ میثاق مانند حرارت آفتابست
۲۲	امانت وعہد الہی
۲۳	امتحان اعظم مواہب است
۲۵	اساس دین اللہ
۲۷	ارباب امتحان
۲۸	محافظہ حصن حصین وصیانت امر اللہ
۲۹	دستخط ہائے بیت العدل اعظم الہی
الآخر	راجع بعہد ومیثاق الہی

اذا غيضت بر الوصال وقضى كتاب المبدء في المال توجهوا الى
 من اراد الله الذي اشعب من هذا الاصل القديم (كتاب قدس)
 وصيت الله انك بايد اغصنا وافئنا ومنتسبين طرا بغصن اعظم ناظر
 باشند * انظر واما انزلناه في كتابي الاقدس * اذا غيضت بر الوصال
 (كتاب عهد * * *

ای یاران مهربان بعد از مفقود این مظلوم باید اغصنا وافئنا
 سده مبارکه وایادی امرالله واجتاج جمال الهی توجه بفرع دوسده
 که از دوشجره مقدسه مبارکه انبات شده واز اقتران دو فرع دوحه
 رحمانیه بوجود آمده یعنی شوقی افتد نمایند زیرا آیت الله و غصن
 ممتاز و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصنا وافئنا وایادی امرالله واجتاج
 است و مبین آیات الله * و من بعد بکراً بعد بکری یعنی در سلاله
 او و فرع مقدس و ولی امرالله و بیت عدل عمومی به انتخاب عموم
 تأسیس و تشکیل شود و در تحت حفظ و صیانت جمال الهی حراست
 و عصمت فائض از حضرت اعلی و وحی لهما الفداست آنچه قرار
 دهند من عند الله است * من خالفه و خالفهم فقد
 خالف الله و من عصاهم فقد عصی الله و من عارضه فقد عارض الله
 و من نازعهم فقد نازع الله *
 مقصود اینست که ایادی امرالله باید بیدار باشند بمجمل اینکه نفسی

بنای اعتراض و مخالفت با ولی امر الله گذاشت فوراً آن شخص را خارج
از جمع اهل بها نمایند و ابداً بهانه از او قبول ننمایند چه بسا
که باطل محض بصورت خیرد رأید تا القای شبهات کند *

(از الواح وصایا)

* * *

یا ایها الناظر الی الوجه اول امر معرفت الله بوده و
هست و بعد استقامت بر امر این استقامت حاصل نشود
مگر بمعرفت طوبی از برای نفسی که از کوشش یا رحمن آساید
و بآنچه مقصود از آفرینش است فائز گشت و معرفت الله در
مقام اول و مرتبه اولی بکلمه مبارکه یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید
مُعلق و منوط است ، هر نفسی بعرفان این کلمه علیاً فائز شد
خود را بر سریر الهمینان مستو مشاهده نماید و از هیچ امری
و هیچ کلمه نلغزد و مضطرب نشود و از برای او سزاوار است به
این کلمه علیاً نطق نماید * یا ربی الرحمن و الملمین علی الامکان
اشهد انک انت محمؤ فی فعلک و مطاع فی امرک طوبی از
برای عبادیکه باین کلمات عالیات تمسک جستند و
از بحر معانی که در آن مستورا است آسایند *

(کتاب اشراقات صفحه ۱۵۸)

تجلی دوم استقامت بر امر الله و حُبّه جل جلاله بوده و آن حاصل نشود مگر معرفت کامل و معرفت کامل حاصل نشود مگر به اقرار بکلمه مبارکه یعنی ما یشاء هر نفسی باین کلمه علیاً تمسک نمود و از کوشش بیان مودع در آن آشامید او خود را مستقیم مشاهده نماید بشأینکه کتب عالم او را از ام الكتاب منع نکند *

(اشراقات صفحه ۲۴۲)

امریکه از آنجناب کل ایوم مجتواست استقامت بر حُب الله بود بشأینکه احدی قادر بر القای او هلمات متوهمین کلمات مشرکین بشد و این مقام بسیا عظیم است چه که شیاطین در یکین جنود مشرکین بکمال کین ظاهر هر نفسی نخواهد باین مقام فائز شود باید بتمامه ازدون حق منقطع گردد تا با استقامت کبری که اصل کل خیر است فائز شود *

(اقتدارات صفحه ۱۴۸)

فضل را مشاهده کن بمقامی سیده که تود و محل خود ساکنی و حق سبحان اعظم مع بلا یای لا تخصی بذکر تو مشغول تا از عنایا قش محروم نیما و از الطافش ممنوع نشو و بعد از عرفان حق اعظم او استقامت بر امر او است تمسک بها و کن من الراسخین * هیچ علی اعظم از این نبوده و نیست او است سلطان اعمال و ربك العالی العظیم *

(اقتدارات صفحه ۱۴۲)

الاقدس الاعلیٰ الحمد لله از تجلیات انوار نیر اعظم افق عالم
 روشن و میراست و فیوض ارحامیه از سماء مرحمت و مکرمت جاری
 نازل طوبی از برای نفوسیکه بوساوس انفس خبیثه از شاطیج جهنم
 محروم نمانده اند و حجابات و همیه را بعنایات مالک بریه خرق نمودند
 ایشانند نفوسیکه خمر مرحمت را از ایادی فضل من غیر تأمل گرفته و
 نوشیده اند ان لائم حسن بما * ای طافران هوای رحمن و
 طائفان کعبه عرفان بشنوید ندای این مظلوم را که در مشها شدت
 و بلا شمارا فراموش نموده و در کل اجناس اجار رحمن را امر نماید به
 آنچه خیر است از برای ایشان عما خلق فی السموات و الارضین *
 اعظم از کُل امور استقامت و اتفاق بر کلمه جامعۀ الهیه است
 انشاء الله از فضل رحما و عنایت سبحا کل بان فائز شوید این بسی
 واضح و معلوم است که آنچه ذکر مقصود خلاصی نفوس است از سجن
 نفس و هو و ارتقاء هم الی الافوال الاعلیٰ انشاء الله باید کل متمسک بجبل
 محکم استقا شوند و متشبث بذیل اتحاد و اتفاق گردند باید بشأ
 بر امر مستقیم باشند که نجات آن مضطربین و متزلزلین را مستقیم
 نماید لیس هلاک علی الله بعزیز *

(اقتدارات صفحا ۲۴۰ و ۲۴۱)

من قبل المظلوم جمیع اجنار اتکبیر برسانید وصیت مینایم

جميع بریه و ابراستقامت بر امر و دیانت و امانت که لم نزل ولا نزال محبوب بوده

(اقتلارات صفحه ۲۴۸)

حجذا هذا المقام الاعلى والرتبة العليا والغاية القصوى * يا على
قبل الكبر درستی مقام معرضین تفکر نما کل بکلمه آنه هو محجود ففعاله
و مطاع فی امره نا طمئند مع ذلك اگر بقدر اسم ابره مخالف نفس و هو ی
ظاهر شود اعراض نمایند * بگو بر مقتضیا حکمت بالغه الهیه احدی
آگاه نه آنه لو یحکم علی الارض حکم السماء لیس لاحد ان یعترض علیه
هذا ما شهد به نقطة الینا فيما انزله بلحق من لدى الله فالن الاصب

(کتاب اشراقات صفحا ۲۰۲ و ۲۰۳)

مقصود این مظلوم از حمل شدائد و بلا یا و انزال آیات اظهار
بینات اخمادنا و رضغینه و بغضا بوده که شاید آفاق افنده اهل
عالم بنوا اتفاق منور گردد و با سایش حقیقی فائز *

(از کتاب عهد)

بگو ای عباسنا انظرم و اسبب پریشانی ما شد علت اتحاد و علت اختلا

مسازید * (کتاب عهد)

ای سلمان بلا یایم علی الظاهر از قبل و بعد بوده منحصر باین ایام
مدان نفسی که در شهورد و سنین بید رحمت تربیت فرمودم
بر قلم قیام نمود اگر از اسرار قبل ذکر نمایم مطلع میشو که لم نزل بغضه

از عبا که بکلمه امر به خلق شده اند با حق به معارضه برخاستند
 و از بدائع امرش تخلف نمودند ملاحظه در هاروت و ماروت نما
 که دو عبد مقرب الهی بودند از غایت تقدیس بماء موسوگشتند
 به اراده محیطة از عدم بوجود آمدند در ملکوت ستموا و ارض
 ذکرشان مذکور و آثارش مشهور و بشانی عند الله مقرب بودند که
 لسان عظمت بدکیشان ناطق بود تا بمقامی رسیدند که خود را اتقی و اعلی ^{هد}
 از کل عبا مشاهده نمودند بعد نسیمی از شطر ^ب و زید و به
 اسفل نیران راجع شدند *

(از مجموعه الواح مبارکه صفا ۱۳۱ و ۱۳۲)

زنهار ای سپرخاک با اشار الفت میگرد و موأنت محکمه ^{است}

اشار نور جان را بنا و حسابا تبدیل نماید *

ای دوست در روضه قلب جز کل عشق مکار و از ذیل لیل حب و
 شوق دست مدار مصاحبت برابر با غنیمت دان و از مرافقت اشار
 دست دلیهر و بردار * (از کلمات مکنونه)

ای بنده یزدان هر دست تو که تو را از این ناره که حقیقت نوردی
 ظهور است و برینماید او دشمن تو است بگفتار انعیما از یارد و بر همان و
 از سخن دشمن از دوست مگذر *

(از مجموعه الواح مبارکه صفا ۲۴۹)

جميع شما اشجار رضوا قدس میند که بدست مرحمت خود راض
 مبارکه غم فرمودم و به نیت رحمت بزرگ خود تربیت نمودم و از حوا^{دش}
 گویند و خطرات ملکیت به ملائکه حفظیه حفظ فرمودم حال زومع^ر
 و حافظ و مرتبی خود غفلت ننماید و درون او برابر او مقدم و مرجح
 مدارید که مبادا اراج سمومیه عقیمی به بر شما وارد نماید و جمیع^{را}
 از اوراق بدیع و اثمار جیه و اثنا مینعه و اغصا لطیفه محروم
 نماید * (مجموعه الواح صفحه ۳۱۹ و ۳۲۰)

رأس الذله هو الخروج عن ظل الرحمن والدخول في ظل الشيطان

(از مجموعه الواح صفحه ۳۶)

یا ابن البیان وجه بوجهی و اعرض عن غیر لان سلطان
 باقی از نزل ابد و ملک دائم لایحول ابد و ان تطلب سوائی لن تجد
 لو تفحص في الوجود سرمد ازل * *

(مجموعه الواح مبارکه صفحه ۲۱)

قلم قدم و اسم اعظم میفرماید * اگر نفسی بکمال آیات ظاهر شود
 قبل از اتمام الف سنه کامله که هر سنه آن دوازده ماه بماتزل^ن في الف سنه
 و نوزده شهر بماتزل في البیان که هر شهری نوزده یوم مذکور است ابتدا
 تصدیق ننماید * در یکی از الواح نازل من یدعی امرآ قبل تمام
 الف سنه کامله آنه کذاب مفتر نسئل الله ان یؤید علی الرجوع ان تاب

ان ربك لهو التواب ان اصّر على ما قال يبعث عليه من لا يرجع ان ربك
شديد العقاب چه كه ضررين نفوس بحقيقت شجره ربانيه راجع
وسبب اختلاف وجدال ونزاع وتزلزل قلوب ضعيفه وعدم استقرار
امر باين برتبه بوده و خواهند بود *

(اقتدارات صفحات ۱۴۱ و ۱۴۲)

بگو ظهور امتی شد هر نفسی قبل از تمام الفتنه ادعا نماید که
باشد و هر چه بیاورد باطن بوده و هست محمد کن مقصود عالم را که ترا
تأیید فرمود و مراد نمواست مقتد و توانا * یا ابن دوست محمد
معواستقامت آنکه ناس آگاه شوند و بیقین مبین بدانند که بعد از
ظهور اعظم بظهور محتاج نبوده و نیستند * نقطه اولی یعنی پیش
جمال کبری ناس با بشارت داد تا قلوب پاک سازند و مهیا نمایند قبل از
اتمام امر علمای ایران برقتش فتو دادند و شهیدش نمودند و بعد
تیر اعظم کشف حجج نمود و عالم امر و خلق بظهورش کامل و محکم آنچه مقصود
بود ظاهر شد اگر موهومی یافت شو و ادعائی نماید آنه کذاب مفسر
هر نفسی با این مقام فائز و از اهل استقامت کبریه از قلم مذکور و مسطور
بگو ای ولیای الهی بعضی از نفوس سست عنصر شاهک میشوند
بمجرد استماع حرف از موهومی از صراط میگذرند نا عین از یک سمت و
مدعیها کذب از سمت دیگر ظاهر شده و میشوند طوبی لقواضعفهم

ولستقیم الطرحهم ولناصح نصحه ثم چه که سبب فسا عالم و خسران
 ام اند نسل الله ان یحفظکم و اولیائهم من شرهم و مکرم انه
 هو المقتد القدير *

(کتاب اشراقات صفحا ۱۹۶ و ۱۹۷)

* * *

الحمد لله استبا اختلافی * حضرت اعلیٰ صبح حقیقت روشن تابنده
 بر جمیع ارجاء و مبشر نیر اعظم ابھی و جمال مبارک موعود جمیع کتب و
 صحیف زبر و الواح و ظهو مجلی طود در سدره سینا و ما عدا کل بندة
 آن آستانیم و احقر باسبنا * ظهو منتهی به مکلم طور شد و قاهر از
 سال بل صد هزار سال این کورا متداد خواهد یافت مقصود اینست
 که قبل از الف کسی نزل و ارتکام مجری نیست و لو مقام ولایت باشد *
 کتاب قدس مرجع جمیع ام و احکام الهی در آن مُصرح احکام غیر مذکور
 راجع بقرار بیت العدل اعظم دیگر استبا اختلافی نه *

(مکاتیب جلد سوم صفحہ ۵۰۰)

* * *

ای اهل عالم مذهب الهی از برای محبت و اتحاد است و در اسب
 عداوت و اختلاف نمائید * نزد صالحان با بصرو اهل منظر اکبر آنچه
 سبب غلط و علت راحت و آسایش عباد است از قلم اعلیٰ نازل شده *

ولکن جهال ارض چون سر با نفس هوسند از حکمت با لافه حکیم حقیق
 غافلند و بظنون و اوهام ناطق و عامل *
 (کتاب عهد)

ای اهل عالم فضل این ظهور اعظم آنکه آنچه سبب اختلاف فساد و
 نفاق است از کتاب محو نمودیم و آنچه علت الفت و اتحاد و اتفاق است
 فرمودیم نعیماً للعاملین * مکر و وصیت نموده و مینماییم دوستان را
 که از آنچه رائحه فساد استشمام میشود اجتناب نمایند بل فرار اختیار کنند
 (مجموعه الواح صفحه ۲۹۲)

ای عباد نیست در این قلب مکر تجلیات انوار صبح بقا و تکلم نینما^{ید}
 مگر بر حق خالص از پروردگار شما پرس تا بعت نفس نمایند عهد^{ها} الله
 مشکیند و نقض میثاق میکند با استقامت تمام بدل و قلب زبان با و تو^ج
 نمایند و بمباشید از بی خردان *

(کتاب زیادانش صفحه ۱۲۸)

بگو ای عبا^ئ امر الله بالعصیاء مشمید و از لحاظ علمیه
 الهیه غافل باشید جمیع بوجه منیر و لسان صادق و قلب پاک و استقامت^ت
 تمام و امانت صرف و تقدیس بخت و تزییه بات ما بین بریه مشهور باشید
 بذكر و بجا خراشگر خدمت محکم نماید که شاید در غره عین آیام الله
 بخدمت مؤمنان گردید و مرتکب نشوید امور را که ضوش بر شما و عباد الله

وارد شود سبب هدایت باشد قولاً و فعلاً و این است نفع اعظم که از قلم
 قلم جاری شد چندین سنه حل بلا یا و زنا یا نمودیم تا آنکه امر الله
 مایین ما سویه مرتفع و ظاهر شد * حال سبب تزییع آن نشوید
 و ذیل مقدسین بطن او هام انفس غا فله میالائید *

(اقتدارات صفحه ۱۳۷)

قلوب طاهره و ابصار منیره و نفوس زکیه باید در جمیع اجیا بافق
 امر ناظر باشند نه باعمال و اقوال مُدعیان و کاذبان از حق جل جلاله
 مسئلت نمایند جمیع راهدایت فرماید برضا مطلع آیات که عین رضا
 اوست هدایت فرماید * انه لم یولجیب العقی الغفوال کریم *
 محض فضل و عنایت این لوح از سماء مشیت الهیه نازل تا جمیع اجیا بما
 اراد الله مطلع شوند و از شر و نفوس آماره احترام نمایند *
 هر متکلم را صادق ندانند هر قائل را از اهل سفینه عمره نشمرند *

(از مجموعه الواح مبارکه صفحه ۳۰۶)

کما حکمتم را از ان ظاهر بود قبل شنو که پسر مریم فرمودم که هر مالک استو
 شجره یا بیه را در بوستان باقی نگذارد و البته او را قطع نموده بنا افکند چه
 که حطب یا بس و خورد و لایق نار است پس ای اشجار رضوان اقدس عنایت من خود
 از ستم و انفس خبیثه و ارباب عقیمه که معاشرت بمشکرین و غافلین است حفظ
 نمایند تا اشجار وجود از وجود معبود از نجات قدسیه و در سخا انسیه محرو

نگردد و لا زال در ضو اقدس احدیه جدید و خرم ماند *

(کتاب ربای دانش صفحه ۱۱۹)

ای دوستنا بر امر ثابت و راسخ باشید اگر نفسی کلمه بگوید در جواب
بگوید ظاهر شد آنچه که بیک تجلی از تجلیات انوار امرش روشن و منور
نمود و یک بیابانیا منزل از سماء مشیتش کل را از کتب عالم و بیایم بی
نیا کرد طوبی لمن فاز بالله و آیانه و اعرض عن کل ناعق بعید باری
نفسی ایوم ذکر نماید که سبب خلاف شولدی الله مرد و بوده و
هست لعن الله امر تمام و کامل و ظهور امتی لکن نفوس حمله مثل
نفوس قبل وجود و اختلاف دوست داشته و میدارند نسل الله
ان یوتقهم و یؤیدهم علی نصرت امره الغریز البدیع و بمنعم عمای مختلف
به الناس یحفظهم من همزات الشیاطین *

(کتاب اقتدارات صحفا ۳۱ و ۳۲)

هو الغریز الباقی * ایوم اعظم امور ثبوت بر امر الله بود *
و هست چه که شیاطین از جمیع اشیاء ظاهر و تمام مکر در تحریک
حصن امر مشغول بر هر نفسی از نفوس مطمئنه لازم که در کل حیوان
پناه بخند وند متعال برند که شاید محفوظ مانند بر آنجناب لازم است
که بقدرت قوه در حفظ امر سعی نمایند که مبادا فرغنه بر خوالتیه غلبه
نمایند این قول نظر تکلیف آنجناب ذکر میشود و الا جند الله غالب

بوده و خواهد بود * (مجموعه الواح صفحه ۳۳۷) ^{طین}
 باری الیوم بر جمیع لازم که بمقامی اصل و ثابت شوند که اگر جمیع شیئا
 ارض جمع شوند که ایشانرا از صراط الله منحرف نمایند نتوانند خود را
 عاجز مشاهده نمایند * قل کونوا یا قوم قهرا لله لأعدائه و رحمة
 لاجتباؤه و لا تكونن من الذین غلبت علیهم رطوبات الهوائیه و لن یقی
 فیهم اثر الذکر و الاثنی و یکونن من الهالکین *

(مجموعه الواح مبارکه صفحه ۳۵۷)

* * *

شرط اول ثبوت بر میثاق الله است زیرا قوه فیثا امر بهاء الله را از
 شبهها اهل ضلال محافظت نماید و حصن حصین امر الله است و
 رکن متین دین الله * الیوم هیچ قوه ای حد عالم بهائی را جز میثاق
 الهی محافظه نماید، و الا خلافت مانند طوفان اعظم عالم بهائی را
 احاطه نماید بدیهی است که محور و حد عالم انسانی قوه میثاق است
 و بس اگر میثاق واقع نشده بود و بقلم اعلی صادر نشده بود و کتاب عهد
 مانند اشعه شمس حقیقت عالم را روشن نموده بود امر الله بکلی پریشان
 شده بود و نفوس سیکه اسیر نفس و هو بودند بکلی تیشه بر ریشه این
 شجره مبارکه میزدند هر کس هوسی می نمود و هر نفسی سودائی میکرد با
 وجود این میثاق عظیم معدود از بیخردان سمند در میدان راندند که

شاید رخنه در امر الله نمایند الحمد لله که جمیع خائبانِ خاسر گشتند و سوفیرون انفسهم فی ایش شدید * پس باید اول قدم را بر میثاق ثابت نمود تا نایباً بهاء الله از هر جهت احاطه کند جنوماً اعلیٰ معین و ظهور کرد و نصائح و وصایای عبد البهاء در قلوب ما نند نقش در حجر نافذ باقی و برقرار ماند

(مکاتیب جلد سوّم صفحه ۲۹)

اساس عقاید اهل بهاء روحی لهم الفداء * حضرت ربّ علی مظهر وحدانیت فردانیت الهیه و مبشر جمال قدم، حضرت جمال الهی و وحی لاجباً الثابتین فدا مظهر کلیه الهیه و مطلع حقیقت مقدسه ربانیه، و مادون کل عبادله و کلّ بامرہ یعلمون * مرجع کل کتاب قدس هر مسئله غیومنصوصه راجع به بیت عدل عموم و بیت عدل آنچه بالاتفاق و با اکثریت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است *
مرتبجاوز عنہ فهو ممن احب الشقاق و اظهر النفاق و اعرض عن ربّ الميثاق
(الواح مبارك وصايا)

زنها رزقها مگذارید نفسی رخنه کند و القاء فتنه نماید .
اگر اختلاف آرائی حاصل گردد بیت عدل اعظم فوراً حل مشکل فرماید
و اکثریت آراء آنچه بیا کند صرف حقیقت است زیرا بیت عدل اعظم تحت حمایت عصمت و عفت سلطان احد است و اورا نصیباً از خطا فرماید و در ظل جناح عفت و عصمت خویش محافظه نماید * هر کس مخالفت کند

مردود گردد و عاقبت مقهور شود * و بیت عدل اعظم بتوتیک نظامیکه در
 انتخاب مجلس ملت در اروپا انتخاب میشود انتخاب گردد و چون مالک مهتک
 شود بیو عدل مالک بیت عدل اعظم را انتخاب نماید و در هر زمان که جمیع
 اجزاء در هر دیار و کلائی تعیین نمایند و آنان نفوس را انتخاب کنند و آن
 نفوس هیئت را انتخاب نمایند آن **بیت العدل اعظم** است و الا تا سیستم شرط
 به ایما جمیع مالک عالم نه مثلا اگر وقت مقتضی بود و فساد داشت اجبا ایرا
 و کلائی انتخاب می نمودند و اجبا امریک و هند و سایر جهات نیز و کلائی
 انتخاب می نمودند و آنان **بیت العدل** را انتخاب می نمودند آن بیت العدل اعظم بود
 والسلام علی و علی آله * (از مکاتیب جلد سوم صفحا ۵۰۱ و ۵۰۰)

* * *

ای اجبا الهی تعیین ایادی امر الله و تنفیذ احکام مقدسه
 شریعت الله و تشریح قوانین متفرعه از منصوصات کتاب الله و انعقاد
 مؤتمرین المللی بیرون امر حضرت بهاء الله و ارتباط جامع بهائی
 به انجمنها متفرقه علمیه ادبیه و دینیّه و اجتماعیه کل تشکیل
 و استقرار بیت عدل اعظم الهی در امر اقدس در جوار بقاع مرتفعه منوره
 علیا منوط و معلق زیر این معهدا علی سرچشمه اقدامات و اجرائات کلیه
 بهائیان است و معین مرجع این عبداتوان * بها تحقیق آمال اهل البهائ
 بها تستحکم دعائم الامر علی وجه العبراء بها نظهر خفیانة و تجلی آثاره

و تقوی را یانه و تسطیع انواره علی الخلائق اجمعین *
 (از توفیق نوا مبر ۱۹۲۹ حضرت ولی امر الله)

* * *

ای ایران دزدان دو میکنند و خائنانا گوشه نشین هیکل امر الله را
 از تیرو تیغ نادانان محافظه کیند و سراج کلمه الله را از ارباب بغضاء حمایت
 و نصیافرو مایند امر و از جهت روح حیات در سیرانست و از جهت دیگر ارباب
 کربیهه نقض بجان در هیجان این روح مصور است و آن متوجّم این نور
 نابان است و آن ظلمت پایان این عذرات است و آن معاجاج این حیات
 ابدیست و آن مات سرمد پس بحال الهیما و استقا و شتو و سرخ حصن الله
 را از هجوم مارقین محفوظ و مصود اید * ایوم آنچه اعظم موراست
 محبت و الفت و اتحاد و اتفاق و انقطاع و آزادی و تقدیر و پاکی و جانفشنا
 و شادمانی الحیا الهی است * اگر الفت کلمه و محبت خالصه حاصل نکرده
 جمیع این زحمات و مشقاهد و دروغاقت کُلّ قرین خسرا مبین گردند
 مقصد از جلوه حق و طلوع آفتاب حقیقت غلبه نور محبت الله است تا
 ظلما شقاق و نفاق حو از آفاق گردد و وحدت روحانیه جلوه نماید *
 (از کتاب مکاتیب جلال جهام صفحا ۶۳ و ۶۴)

* * *

هُوَ اللهُ ای یاران حقیقی و مشتاقان جمال الهی چون محی قیوم
 جمیع اسماء و صفات و کمالات و شئو بر ما کان و مایگون تجلی فرمود و مطلع
 امکان را به انوار نیری لامکان بجللی نمود جوش و خروش در ذرات کائنات
 افتاد، نینسار حمت فیضان نمود و پر تو آفتاب درخشید و نسیم صبا بوزید
 و ندای الهی بگوشها رسید، دلها بطپید و جاها بر میدرخها بر افروخت
 و پرده ها بسوخت و رویار مهران جلوه نمود قلوب عاشقان شعله سوزان
 بزد و چشم مشتاقان از سر و مکران شد گلشن توحید ترنم یافت و
 گلزار تجرید آراسته گشت جشن فیوضات ترنم یافت و بزم الست آماد
 گشت سر بر سلطنت الهیه استغفار جست و الرحمن علی العرش استسوی
 متحقق گشت * پس اعظم تجلی جمال قدم در این بزم اتم در هیکل مشایق
 جلوه فرمود و بر آفاق اشراق نمود، مطرب الهی او تار مثال و شنائی بدست
 گرفت و باهنگ پارسی آغاز نغمه و ساز نمود و به شهناز این ترانه آغاز کرد

* * *

این عهد الست است این پیمانہ بدست است این بازار شکست است این
 از یوسف رحمانی میثاق و فاق است این پیمان طلاق است این
 آفات نفاق است این از رحمت یزدانی این عهد قدیم است این
 این سر قیوم است این این امر عظیم است این از طاعت ابهائی

روحی لاجبانه الفداء ع ع *

(از مکاتیب جلد اول صفحات ۴۱۳ و ۴۱۴)

حال بعضی از مُفسدین به انواع حیل در فکر ریاستند و بجهت حصول ریاست شتهامینا الجاء القا مینمایند که سبب اختلاف شود و اختلاف سبب آن گردد که یک حزبی را تابع خود کند * ولی اجباً الهی باید بیدار باشد و بداند از این القای شتهام مقاصد نفسانیست حصول ریاست و حدت بهائی را از دست ندهند و وحدت بهائی جز متمسک بمشاق الهی ممکن نه *

(از مکاتیب جلد سوم صفحه ۷۱)

هر چند در این ایام پرامتحان ثبات استقامت مشکل بود و لکن اجباً الهی و امان و حمن الحمد لله مانند صخره عظیمی ثابت و مستقیم مانده بلکه بر استقرار افزودند * عادت چنین است و قرار بر این در یوم امتحان ضعفاً بکلی متزلزل گردند و منصرف شوند و اقویاً که قوت روح دارند بر قوت بیغیرانند مس مغشوش و آتش آفتاب بکلی سیاه گردد و اما اطلاق خالص و نقش بیغیرانید و جلوه بیشتر نماید *

(از مکاتیب جلد سوم صفحه ۷۷)

حال بشکرانه این الطاف باید بخدمت حضرت بدیع الاوصاف پرداخت و بر ثبوت بر مشاق قیام نمود تا وحدت بهائی محفوظ و مصون ماند ملاحظه کنید بهیچ قوه ای ممکن است وحدت بهائی را محافظه کردن مگر بقوه

میشاق * اگر ادنی تهاون و فوری حاصل گردد شبها بتمام قوت
بقلوب خطون نماید و مذاهب مختلفه ظهور کند و امر الله بکلی محو و
نابود شو قوه میشاق است که آفاق را به اهتزاز آورد * ۲

(از مکاتیب جلد سوم صفحه ۲۵۹)

ابواب تأویل و تشریح را بکلی مسدود نمایند تا حصن حصین امر الله
از تعرض ما رقیب و تصرف مبتدعین محفوظ و مصوم ماند و اهل ارتینا
رخنه نتوانند و بهانه بنجویند و عقاید مختلف نگرود و آراء متعذر
نشود و اگر ایوم این اساس عظیم محکم و متین نگرود من بعد صد هزار
رخنه در بیننا اللهم یدار شو *

(از مکاتیب جلد دوم صفحه ۲۴۸)

* * *

کَلِّبْ اَیْدِیْ دَر زَلِّ مَحْفَلِ وَ حَافِی بَاشَنْدِ وَ مَسْئُولِ اَنْ وَ مَطِیْعِ وَ
مَنْقَاطِ هَر قَانُونِ وَ نِظَامِ مِکِه مَحْفَلِ وَ حَافِی وَ تَرْتِیْبِ هِدْ *
اگر چنان شود امور مرتب گردد و خلل و تأخیر و اختلافی در تمشیت و
اجرای موامریه حاصل نشود * و الا وحدت بهائی محفوظ نماید و اختلا
آراء هادم بیننا اللهم گردد *

(از تویع مارچ ۱۹۲۲ حضرت ولی امر الله)

* * *

پس قدم و اثابت نماید و بنهایت قوت بشر نفحات الهیه و ملائکه^{الله}
 و ثبات بر میثاق پردازید و یقین بدانید که اگر نفسی با کمال استقامت ای بملکوت
 نماید و بنهایت ترویج میثاق^ق کند اگر مود ضعیف است فیل عظیم و از میدان
 فرار دهد و اگر پیشه نجیف باشد غنقا کاسر را بال و پریش کند *
 لهذا همت نماید تا سپاه شمشاد را به قوه آیات پریشان و متلاشی نماید
 این است وصیت من این است نصیحت من * با نفسی جدال ننماید
 و از نزاع بیزار باشید کلمه حق بر زبان رانید اگر قبول نموی نعم المطلوب
 و اگر عناد کردی او را بحال خود بگذارید و توکل بر خدا بکنید این است
 صفت ثابتین بر میثاق *

(از مکاتیب جلد سوم صفحه ۸۰)

هر نفسی متمسک بعهد و میثاق بجز ملاء اعلیٰ منصوب گردد و در
 درگاه الهی موفق بنیوضا نامتناهی شود * قوه میثاق مانند حرارت
 آفتاب است که جمیع کائنات ارضیه و تربیت نماید و نشوونما بجنشد
 همچنین نور میثاق عالم عقول و نفوس و قلوب و ارواح را تربیت نماید
 (از مکاتیب جلد سوم صفحه ۹۶)

هر نفسی از شما در هر شهر است که وارد گردد بخلق و خوی و صدق
 و وفای محبت و امانت و دیانت و مهربانی بعموم عالم انسانی مشارک بالبنیاد
 گردد جمیع اهل شهر گویند که این شخص یقین است که بها نیست

زیرا الطوار و حرکات و روش و سلوک و خلق و نحوی این شخص از خصائص
 بهائیان است تا با این مقام نیاید بعهد و پیمان الهی وفا نموده اید زیرا
 بنصوص قاطعه ارجح ما میثاق و شوق گرفته که بموجب صایا و نصاب
 الهیه و تعالیم ربانیه رفتار نمایم *

(از مکاتیب جلد سوم صفحه ۱۵۹)

بلا یای سبیل الهی انسان را سبب تأیید است بلکه قویست ملکوتی
 و موهبتی است که هوتی اما بالنسبه بضعفاء مؤمنین بلا یا امتحان و
 افتان است که بسبب ضعف ایمان و ايقان از بلا یا در مقام امتحان شد
 افتند ولی نفوسیکه ثابت و استخندانان را امتحان اعظم مواهب است
 ملاحظه نما که تلمیذ کاهل جاهل را امتحان در علوم و فنون بلیه غشی
 و لکن تلمیذ زیرک دانا را امتحان در علوم فخر و مسترت بی پایان زر
 مفشوش را امتحان در آتش سبب روسیاهی و لکن ذهب خالص را شد
 شعله آتش استباطه و لطافت و شکفتنی پس امتحان ضعفاء را بلا نیست
 و محبتی از سبب نخلت و رسوائی *

(از مکاتیب جلد سوم صفحه ۱۸۴)

هو الله

یا اسم الله الیوم میزان کشتی و مغناطیس تأیید عهد و
 میثاق رب مجید است کل باید به این اساس متین دلالت نمود چه

که بنیاد صیقلی است هر نفسی ثابت تر مؤید تر و موفق تر است
 و اگر روح القدس مجتهد گردد فرضاً ادنی توقف نماید قسم بحال قدم
 روحی لا جانه الفداء که جسم معوق و جسد معطل گردد * چه که
 اساس دین الله و علو کلمه الله و سمو امر الله در این است و بالفرض
 طفل ر ضیعی ثبات و رسوخ نام قیام نماید جنود ملکوت الهی نصرت
 او نماید و ملائکه اعلی اعانت او کند عنقریب این ستر عجیب آشکار گردد
 پس باید ما و شما و جمیع اجنایه الله الیوم نظر حصر در این لطیفه ربانی
 نمایم تا جمیع امور مجبور مطلوب دوران نماید * ع ع

(از مکاتیب جلد دوم صفحه ۱۲۶)

هو الله

ای ثباتان بر پیمان الیوم این عنوان از اربع الحان زیر اقوت امر الله
 بعهد و پیمان است و نشر نجات در افاق بقوه میثاق است و وحدت
 بهائی را جز عهد الهی محافظه ننماید و هجوم ناکثرین و ناقضین را جز
 ثبوت بر میثاق دفع نکند لهذا این عنوان یعنی ثابت بر پیمان
 بین ملائکه اعلی شایان ستایش بی پایان *

(از مکاتیب جلد سوم صفحه ۳۴۷)

سؤال فرموده بودید از نفوسیکه وقتی از اهل ایمان بودند
 بعد منحرف شدند که حقیقت حالشان چگونه است، این نفوس

در بدایت مؤمن بودند و لم یسب افئتان و امتحان منحرف گشته اند
 ان الحق یبدل النور بالظلمة و یبدل الظلمة بالنور و این احتیاج بسبب
 از اخلاق و اعمال است * و الحق یبدل السیئة بالحسنة و یبدل الحسنة
 بالسیئة مثلاً سراج روشن بوده و لم یاز اراج امتحان و افئتان خاموش
 شد صحیح و سالم بوده و لم یز باد خزان گرفتار و علل مزمنه گردید ،
 جسم تروتازه بوده و عظام رمیم گشته * ذلك بما اکسبت ایدیمم والا
 حق مهربان است و ملوک مغفرت و آنچه از پیش اگر امر خیر از
 آنان صادر عرضی بوده اساسی نداشته و لا عبرة فی الاعراض حطت اعمالهم

(مکاتیب جلد سوم صفحاً ۲۰۵ و ۲۰۶)

ایام امتحان^{ست} او اوقات افئتان قدم^{را} سماع نما و قلب را ثابت لرزه
 شدید است و فتنه درو بزمید ز بهار جمال مبارک و وصایای ایش را
 فراموش مکن و سماع را مروهون ز خارف قول مکن راه نمایان است
 و سبیل واضح و عیاد وقت ترویج است و هنگام نشر لغت بجز هر کس
 در میدان تبلیغ بنا زدگویی از این میدان برود هر نفسی نجات حق
 مؤانس گردد و خنجر چون آفتاب بتابد تو استمداد از ملکوت الهی جو
 و استفاضه از ابر میثاق نما از چشمه پیمان و ایمان یزدان آب خورده
 ماء حیوان است و عین تسنیم جنت رضوان *

(از مکاتیب جلد دوم صفحه ۲۵۶)

لهذا حکمت بکره اقتصاء نمود که آتش امتحان شعله زند وسیل
افتنان نطیقا نماید تا صادقان از کاذب متمایز گردد و موافقان از منافقان
یابد خود پرست از خدای پرست جدا شود و ثمره طیبه از ثمره خبیثه
متمایز گردد آیات نوبها هر گردد و ظلام دیجور نازل شود بلبل و فای
بسراید و غراب جناسی سرخوش بنماید ارض طیبه ایبات شود و ارض
جرزه خائب و خاسر ماند منجرب جمال الهی ثابت گردد و تابع نفس و هو
ناقص شود این است حکمت بلا یا این است سبب درایا *

(از مکاتیب جلد اول صفحه ۲۹۱)

هو الله

مع
ای دوستان الهی چون یتیمیان از مطلع اراده رحمن ساطع و لای
گردید اهل بصیرت حدت نظر یافتند و مشاهده آیات جلیل اکبر نمودند
و چون عاشق دلداره واله و حیران جمال پیماکشند و در گلشن الطاف
بیزان بمشاهده کلها ای معانی مسرور و مستبشر گردیدند و لضعیف چشم
چون خفاشان از شعاع ساطع پیمافسوده و مانده و خمود گشتند یکی
گفت این پیماشعاع است نه آفتاب دیگری گفت چشمه کم آب است نه دریا
آب دیگری گفت وهم و سراب است درو یا و خواب باری هر یک
بغرض زمره نمود و دمه در سر خفا انداخت عنقریب ملاحظه
فرماید که اهل فتور کل خائب و خاسر و اهل ثبوت با و جمعی باهر

و رُخ روشن در هر آنجی محشو گردد سبباً الله کل بقیین مبین میداند
 که حصن حصین قلعه میثاق است و بیاساز عنقریب مهدم و خرا
 عاقبت آفتاب عهد چنان شرق و غرب را گرم نماید که این خفاشان
 چون اضعف موج در ارض مصو و محشو گردند و از حسرت و پشیمانی
 شب روز هدم ناله و فغان شوند * والحمد لله رب العالمین *

ع ع

(از مکاتیب جلد اول صفحاً ۴۱۶ و ۴۱۷)

لهذا امید از الطاف شمس حقیقت دارم که روز بروز بر بقائات
 و استقامت بیفزایند امتحانات هر امری بقدر عظمت آن امر است
 چون تا بحال چنین میثاق صریح بقلم اعلی قوع نیافته لهذا امتحانات
 نیز عظیم است این امتحانات نفوس ضعیفه را متزلزل نماید ولی
 در نفوس قویه امتحان چه تأثیر دارد این شبهها نقض مانند کف
 دریا است و دریای کف نمیشود بجز میثاق بیک موج زند تا اجسام میته
 بکنار اندازد زیرا دریا با جسم مرده قبول ننماید این است بجز میثاق
 موج زد موج زد تا اجسام میته را بیرون انداخت یعنی نفوسی و آله
 از روح الهی بی بهره اند و تابع نفس هو هواء ریاست در سرداوند
 باری این کف ها دریا بقائی ندارند عنقریب محو و نابود گردد *
 ولی دریا میثاق الی الابد بر موج است و در جوش و خروش *

ناقضین آبروی خویش را میزنند و تیشه بر تیشه خود میزنند مغرور
 بچند نفس چال بوسند که در نهایت تملقند که از شدت تملق بعضی نفوس
 ضعیفه را متزلزل مینمایند لکن این عاقبت ندارد سراب است نه آب
 کف است نه دریا مه است نه ابر مجاز است نه حقیقت عنقریب خواهید دید
 (مکاتیب جلد سوم صفحه ۸۴)

ای دوستان الهی یاران معنوی شمع روشن است دلبر میثاق
 شاهد هر انجن صبح میرعهد طالع است و شعاع آفتاب پیمان ساطع
 نداء ملاء اعلی بلند است و سر و شملکوت ابھی همدم هر مسمند همتمی
 نماید و نصر الملی طلبید و نصیب و فوری جویشید و اسباب مال در میدا
 اقبال بتازید مواعد آسمانیست مواهب رحمانی فیض جاود اینست
 جو د آسمانی * جمال ابھی از ملکوت غیب ناصرتا تبین است و ظهیر حجابین
 و مجیر راسخین و معین موقنین * وانه بنا دیکم من ملکوت -
 غیب العلماء ثبتوا اقدامکم یا احبا الله سوترون الضعفاء ای منقلب
 ینقلبون ع ع

(از مکاتیب جلد دوم صفحه ۱۹۹)

هُوَ الْاَبْحَى

ای ناطق شنای حق و بلبل گویای حق عليك بهاء الله و ثناؤه
 در جمیع الواح الهی قیام ناعقین و ظهو شیاطین مذکور و مشهود

هر نفسی از برای خویش وجود بیند و یا خیال تمیز و تفرقی آن از آثار -
 نفاق است علامت نفاق باید شئون خود را فراموش کرد و در مقام -
 قنای محض آمد و الا ملاحظه وجود عاقبت سبب شرک گردد و بیادی کفر
 محض * خضوع و خشوع و محو و فنا و اطاعت انقیاد محبوب و مقبول
 والبهاء علیک ع ع

(از اجنا امری سال ۱۰۴ بدیع شماره ششم)

* * *

ای برادران و خواهران روحانی چه مقدار عظیم است امر
 الهی و چه شدید است سیاه فهران محتسب حقیقی، فرخنده، نفسی که
 در ظل ظلیلش محسوس و مستظل گشت و خجسته قلبی که از شعشعای انوارش
 مستمد و مستفیض شد * و ای بر نفسی که از الواح نصیبه قلم اعلی و
 نغناء و الآء این دورا منع الهی و بتافت میثاق غلیظ حتی لایموت واهی
 و موهون بشمرد و تطورا و تغلبات لازمه این امر خطیر را میزان بطلان
 و علامت نقصان و انقراض این لایزال ایزد متعال پیدا است * امر عظیم است
 عظیم و حوادثش بس خطیر و جسیم. صراحتا نشان شد دیداست و صراط
 احد از سیف حدید جز خیال باذخه و الطواد شاخه مقاومت روح عقیم
 نتواند و جز اقدام ثابته مستقیمه از این منهج قوم نگذرد شعله
 انفلا بشن شد بار است و صاعقه تهرش اشدا از هیبت نار *

النَّاسُ هُلُكَاءٌ إِلَّا الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنُونَ هُلُكَاءٌ إِلَّا الْمُحْتَسِبُونَ
وَالْمُحْتَسِبُونَ هُلُكَاءٌ إِلَّا الْخَالِصُونَ وَالْخَالِصُونَ فِي خَطَرٍ عَظِيمٍ *
(از کتاب توقیعاً حضرت ولی امر الله جلدر دهم صفحہ ۱۴۵ و ۱۴۶)

از جمله وظایف مقدسه محفل روحانی محافظه حصن حصین
امر الله است از مفسدین و ظالمین و معرضین و ناقضین میثاق الهی
هر نفسی که ادنی رائحه کربیه از احد است تمام نماید فوراً بمحفل
روحانی خویش در نهایت حکمت و بردباری اطلاع دهد و اعضا
محفل بنهایت همت و سکون مدافعه و محافظه نمایند و آنچه را
صلاح دانند به ارض مقدس مخا بره نمایند *

(از توقیع منبع ۲۷ شباط ۱۹۲۳)

از جمله فرائض اصحاش و قایت و صیبا امر الله است باید بوسائل
متقنه هیکل الطفارق امر الله را از نفس اهل بیک ضلال و شر
اشرار و دسائش خائنین و شبها مفرین و استهزاء جاهلین و نفاق
ناعقین حراست نمایند * و جدت جمع اهل بها را از اختلاف آراء
و سوء تفاهات و تحریکات بدخواهان و فتنه جویان محافظه نما
از جهتی حفظ و صیبا امر الله را در امور جزئی و کلی مراعات تام نمایند
و از جهتی دیگر استماعنا اهل بغضاء نشوند و بر خصومت و عداوت
آنان نیفرایند * در مواقع مخصوصه چشم از عیوب اهل فقور بشویند

وبالعکس، عامله نمایند و همراه مسامحه پیش گیرند و بیدار و هشیار باشند تا در دام اهل خدعه و تزویر گرفتار نشوند و در پی مغرضین نخورند
(از لوح مبارک ۸ جون ۱۹۲۵) از حضرت ولی امر الله ارواحنا فداه

* * *

عهد و میثاق الهی از مجموعۀ راهنما ع ۵-۲-۱۲۱-۱

(۲) - دستخط های بیت العدل اعظم الهی

۱- دستخط مورخ ۹ مارچ ۱۹۶۵ اختلا: بحفل و محافل بهائیان اهلنده
دوستان عزیز بهائی ما خوشحالم از اینکه شما مسائلی را که استبانوش
خاطر بعضی یاران است بنظر ما رسانیدید. مطرح این مسائل بطور آزاد
و آشکار خیلی بهتر از آنستکه سر بسته مانده بر قلوب یاران جانفشان
سنگینی نماید *

هینکه شخص بعضی اصول اساسی امر حضرت بهاء الله را دریابد این
قبیل تردیدها بجزود خود زائل میشود. مقصود آن نیست که در امر الهی
اسرار و نکات مرموز وجود نامح البتّه که رموز هست ولی باید توجه
داشت هر گاه معرفت کامل نسبت با اصول عقاید امر حقایق مسلمه
آن در هر وضع و موقعیتی حاصل گردد آن رموز آنطور نیست که بتواند مبنا
عقیده و ایمان اشخاص را متزلزل سازد. مسائلی که از طرف بعضی
یاران مطرح شده بر سه دسته است *

دسته اول در اطراف این پرستشگاه در میزند . چرا با علم قبلی باینکه ولی امر^{الله} دیگری نخواهد بود برای انتخاب بیت العدل اعظم اقدام شد ؟ آیا موقع برای چنین اقدامی مقتضی بود ؟ آیا شوکران بین المللی هائی نمیوانست امور را پیش ببرد ؟

در موقع صعود حضرت ولی محبوب امر الله از اوضاع و احوال وهنجین - مقتضیا صحیح نصوص مبارکه واضح بود که برای آنحضرت غیر ممکن بود بر طبق مندرجات الواح و صالای حضرت عبداله^ج جانشینی بخود انتخاب نماید و این وضعی که برای حضرت ولی امر الله پیش آمد که بدون تعیین جانشین^{بجای} صعود فرمودند نقطه نامرئی بوجود آورد که در نصوص مبارکه ذکر نشده بود و مستلزم آن بود که به بیت العدل اعظم مراجعه گردد *

یاران باید باین نکته توجه فرمایند که قبل از انتخاب بیت العدل اعظم معلوم نبود که ولی امر الله وجود نخواهد داشت و باینکه افراد اجبا عقاید مختلفی در این خصوص اظهار میداشتند ولی هیچکس نمیتوانست علم قبلی قطعی در این خصوص داشته باشد نه ایادی امر الله و نه شوکران بین المللی هائی و نه هیچ هیئت موجود دیگر نمیتوانست در این مسئله بسیار مهم تصمیمی اتخاذ نماید و نه نهایت العدل بود که میتواند در باره^{آن} حکم قطعی صادر کند و این یکی از دلایلی بود که ایجاب میکرد انتخاب بیت العدل بقوت و هرچه زود تر صورت گیرد *

پس از صعود حضرت شوقی ربانی اداره امور بین المللی امریهائی توسط
ایادی امرالله با موافقت کامل اطاعت محافل و حاکمیت ملیته و جامعه بهائیان
بعل آمد و این موضوع از آنجهت بود که حضرت ولی امرالله با انتصاب ایادی امرالله
آنانرا بعنوان احار و اساطنت جهاننی جینی امر حضرت بهاء الله نامیدند *

ایادی امرالله از همان ابتدا که حراست امرالله باها سپرده شد دریافتند
که چون هدایت الهیه انچنانکه برای ولی امرالله و بیت العدل اعظم مسلم و
وثابت است در مورد آنها صدق نمیکند پس سالم ترین راه برای آنها آنست که
با کمال دقت و مواظبت از دستورات و خط مشی حضرت شوقی ربانی پیروی نمایند *

در سراسر تاریخ ادیان نظیر این داستان دیده نمیشود که زعمای یک دیانت
غفلتاً خود را محروم از راهنمای الهام بخش ملکوتی خود بیابند و با این درجه
نظم و انضباط و این پایه صداقت و وفاداری مطلق و این قدر از خود گذشتهگی
کامل برآوردند درجه تقدیر و سپاسگزاری که نوع بشر در خلال نسکها آیند
بلکه قرون آیند با این مشتی نفوس مصیبت دیده و ثابت قدم و شجاع مدیون است
بیش از اندازه تصور و قدر دانی است *

حضرت ولی امرالله بیجهت بهائیان نقشه ها صریح و مشروح عنایت فرمودند
که فقط تا رضوان ۱۹۶۳ یعنی خاتمه جهاد ده ساله امتداد داشت و از آن
تاریخ ببعده برای جلوگیری از اینکه خطری متوجه امر شود استمرار هدایت
ملکوتی ضرورت داشت این دو مین دلیل فوریت برای انتخاب بیت العدل اعظم
بود

اشارات حضرت شوریجی در توقیعاتی که در باره اینکه متعاقب جهاد روحانی
 ده ساله نقشه ها دیگری تحت هدایت بیت العدل اعظم اجرا خواهد شد
 دلیل دیگری است که مناسب بودن زمان انتخاب بیت العدل را تأیید مینماید
 یکی از این اشارات عجاذیل است که در نامه مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۵۱ خطاب
 بمحصل روحانی ها اینها نیز بر تائید این کبیر درباره نقشه در ساله آنها که بلافاصله
 پیش از جهاد سه انجام گرفته صادر شده است * «انجام موفقیت آمیز این
 نقشه که در وسعت سابقه و در کیفیت منفرد و از جهت قوای و تحاسی عظیم است
 در مستقبل ایام در عصر تکوین امر الله مشروعاتی بدینال خواهد داشت که تمام
 محافل روحانی در سراسر عالم بهائی را در نطق خود در خواهد آورد * مشروعاتی که
 بحدود خود در عهد و آینده ها عصر مقدمه طرح و اجرای نقشه ها جهاد وسیعتر
 است که مقدر است از طرف بیت العدل اعظم طرح گردد تا واحد جامعه را -
 نمودار ساخته جهوات محافل ملیه را هم آهنگ و متحد نماید *»
 ایادی امر الله پس از اینکه مدت شش سال عهد دار حراست امر الهی بودند
 با ایمان کامل بنصوص مبارکه از یاران دعوت کردند تا بابت انتخاب بیت العدل
 اعظم قیام نمایند و تا آن درجه قدم پیش گذاشتند که از یاران تقاضا
 کنند خود آنها را انتخاب نکنند و تنها مورد غم انگیزی که ممکن بود شخص مغلوب
 حجاب و ریاست گردد و کوشش تا سفا و رچا رلس میسن ریجی برای
 غصب مقام ولایت امر الله میباشد *

عبارات ذیل که یکی از الواح حضرت عبدالبهاء استخراج گردیده
 واضحاً و قویاً اصولی را که یاران بر اثر زیارت الواح و صایای حضرت
 عبدالبهاء و توفیقات مختلفه حضرت شوق بر تانی با آنها آشنا هستند
 توضیح میدهد و مبتداً انتخاب بیت العدل اعظم را بیامینماید *
 این لوح از طرف حضرت ولی محبوس امرالله در سنین اولیه دوره ولایت
 برای انتشار بین یاران بایران فرستاده شده است *
 زیرا عبدالبهاء در طوقاً خطر است و از خوف اختلاف آراء در حق
 حذر * الحمد لله سبباً اختلافی نه . حضرت اعلی صبح حقیقت روشن
 و تابنده بر جمیع ارجاء و مبشر نیر اعظم ابھی و جمال مبارک موعود و جمیع کتب
 و صحف و زبر و الواح و ظهور مجلی طور در سینا و ما عدا کل بنده آن
 آستانیم و احقر پاسبان ظهور منتہی کلم طو شد و تا هزار سال بل صد
 هزار سال این کورا متداخ خواهد یافت * مقصود اینست که قبل از آن
 کسی نزار و انکلم بحر فی نیست و لو مقام ولایت باشد * کتاب اقدس
 مرجع جمیع اُم و احکام الهی در آن مُصرح احکام غیر مذکور و راجع بقول
 بیت العدل دیگر سبباً اختلافی نه * زهار زهار نگارید نفسی رخنه
 کند و القاء فتنه نماید اگر اختلاف آرائی حاصل گردد در بیت العدل اعظم
 فوراً حل مشکلات فرماید . و اکثریت آراء آنچه بیاکند در حقیقت است
 زیرا بیت عدل اعظم تحت حمایت عصمت و عفت سلطان احدیتست

و ادرا سیات از خطا فرماید و در نظر جناح عفت و عصمت خویش محافظه نماید * هر کس مخالفت کند مردود گردد و عاقبت متهم شود . بیت عدل اعظم بترتیب نظمی که در انتخاب مجالس ملت در اروپا انتخاب میشود انتخاب گردد و چون ممالک همتگد شود بیو عدل مالک بیت عدل اعظم را انتخاب نماید و در هر زمان که جمیع اجناب در هر دیار و کلائی تعیین نمایند و آنان نفوس را انتخاب کنند آن نفوس همتی را انتخاب نمایند آن بیت العدل اعظم است و الا ناسیس مشروط بایمان جمیع ممالک عالم نه مثلاً اگر وقت مقتضی بود و فضا نداشت اجناب ایران و کلائی انتخاب مینمودند و اجناب امریک و هند و سایر جها نیز کلائی انتخاب مینمودند و آنان بیت العدلی انتخاب مینمودند آن بیت العدل اعظم بود . والسلام ع ع

(مکاتیب جلد سوم صفحه ۵۰۰ - ۵۰۱)

یاران باید بدانند که در نصوص مبارکه چنین مطلبی وجود ندارد که انتخاب بیت العدل اعظم فقط باید بدعوت ولی امر الله صورت گیرد بلکه برعکس حضرت عبدالبهاء در نظر داشتند حتی در زمان حیات خود شان دعوت باینتخاب آن نمایند *

در زمانی که حضرت ولی امر الله آنرا تباریکترین اوقات حیات حضرت عبدالبهاء توصیف میفرمایند در دوره سلطنت سلطان عبدالحمید و در موقعیکه آنحضرت قرار بود به ناسازگارترین نواحی شمال افریقا تبعید گردد و در

زمانیکه حتی چنان مبارک در معرض خطر بود حضرت عبدالبهاء بحاجی
میرزا محمد تقی افغان ابن خال حضرت باب و بانی عمده مشرق الاذکار عشق آباد
شرعی نوشته باوا فرمودند هرگاه تهدیدات و مخاطرات نسبت بانحضرت
صورت وقوع یابد اقدام بانختاب بیت العدل عمومی نماید *

قسمت دوم الواح وصایای حضرت عبدالبهاء نیز مربوط بچنین -
وضعی است و باید از طرف یاران مورد مطالعه و مذاقه قرار گیرد؛
دسته دوم مسائلی که بعضی یاران گرفتار تشویش نموده در اطراف مسئله
معصومیت بیت العدل عمومی قادر بودن آن بانجام وظایف محوله بدون
حضور ولی امر الله دور میزنند در مفهوم این بیاض حضرت ولی محبوب امر الله
مشکل خاصی پیش آمده است که میفرمایند *

« نظم جهانی حضرت بهاء الله هرگاه از مؤسسه ولایت منفک گردد ناقص
مانده و همواره از اصل وراثت که بفرموده حضرت عبدالبهاء بطو تغییر نا
پذیر ملازم شریعت الهیه بوده محروم خواهد ماند » (ترجمه)
و در لوح دیگر خطاب یکی از اجداد ایران حضرت عبدالبهاء میفرمایند:
« در جمیع شرایع الهیه ولد بکرامتیا زات فوق العاده داشته حق
میراث نبوت تعلق باو داشت »

« بدون این مؤسسه وحدت امر الله در خطر افتد و بنیانش متزلزل گردد
و از منزلت بکاهد و از واسطه فیضی که بر عواقب امور در طی هر حال

دارد بالمره بی نصیب ماند و هدایتی که جهت تعیین - مدد و وظایف -

تقنینیه منتخبین ضرورتاً است سلب شود *

(کتاب در بهائی نظم جهانی هاء الله صفحه ۱۴۸) ترجمه

اجتبا باید برای فهم روشن تر این عبارت در حال حاضر آنرا در پرتویسینا
نصوص دیگر که در همین موضوع بحث میکند ملاحظه نمایند.

فی المثال عبارات ذیل که از مکاتیب حضرت شوقی زبانی جمع آوری شده است.

« همچنین آنان با بیانی کاملاً واضح و محکم دو مؤسسه بیت العدل

و ولایت را بعنوان جانشینان منصوص خود معین فرمودند تا اصول مباح

امر الهی را اجرا و احکام آنرا ترویج و از تأسیسات آن حمایت نمایند و با کمال خلوص

و فرزاندگی شریعت الله را با مقتضای جامعه مترقی تطبیق دهند و میراث

مرغوبی را که شارعین این امر عظیم برای جهان باقی گذاشتند ادا کنند

(ترجمه) * * *

(نامه مویخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰ از کتاب نظم جهانی هاء الله صفحه ۲۰)

« هر يك از اجبا باید بخوبی در وضوح بدانند که مؤسسه ولایت

بهمچوچه قوت و اقتداری را که حضرت هاء الله در کتاب اقدس به

بیت العدل عمومی عطا فرموده و حضرت عبدالبهاء در الواح و صایای خود

مکرراً آنرا تجلیل و تأیید نموده نفع و یا ذره فی از آنرا سلب نمیکند *

تصمیمات آن مؤسسه بهمچوچه و صورت با صایا و الواح حضرت هاء الله

مغایرت و تناقض ندارد و نمیتواند هیچ يك از تعالیم نازلہ او را ابطال کند بلکه بر
مکسر حیثیت اعتبار آن مجمع جلیل را تقویت میکند و موقعت عالی آنرا تحکیم
و تثبیت و وحدت آنرا محافظت و استمرا و مساعی آنرا تأمین مینماید بدون اینکه
بعقد خردلی مجرم مقدس و حدود حاکمیت کاملاً مشخص آن قصد تجاوز -
داشتنه باشد * البتہ ما در این زمان ما این آثار مجہم و عظیم نزدیکتر از آنیم کہ
بتوانیم ادعا کنیم مبانی واقعی آنرا کاملاً فهمیده و یا هزاران اسراری را کہ بی
شک در کون آن لطفنه است دریافته ایم » (ترجمه)

نامه مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ از کتاب نظم جہا بہاء اللہ ص ۸۱
« در این بیانات بدون هیچ شک و شبہہ واضح و آشکار میشود کہ ولما للہ
مبین کلمات الہی بیت العدل عمومی دارای لطفنه قانون گذاری در موارد
استکہ احکام آن موصراً در الواح و آیات نازل نشدہ است مقام تبیین الامر للہ
و آنچه در دایرہ اختیارش صورت میگیرد مانند مصوبات بیت العدل عمومی
معتبر و لازم الاجراء است و در این مقام بیت العدل عمومی دارای این حق
و امتیاز انحصاریست کہ در بارہ قوانین احکامیکہ صریحاً از طرف حضرت
بہاء اللہ نازل نشدہ الظہار نظر کرده و حکم قطعی صادر نماید و هیچ کدام
از این دو مقام نمیتوانند و نہ میخواہد بجد و نہ مقدس منصوص دیگری
نظمی نماید و هیچ کدام در صدد دخا و نخواستہ نمودن با اختیارات خاصہ و مسلمہ
کہ ہر دو آنها از طرف خداوند عنایت شدہ خدشہئی وارد آید » (ترجمه)

از کتاب ظهور بهاء الله نظم جهانها فی بهائی ص ۱۵۰
 « هر کدام در حد و دگر برای آن معین شده از قدرت و اختیار او حقوق
 و امتیاز خود استفاده خواهد کرد و این حقوق و امتیازات نه معارض یکدیگر
 بوده و نه ذرهئی از مقامی که هر دو این مؤسسا اشغال کرده اند
 خواهد کاست » * (ترجمه)

از کتاب ظهور بهاء الله نظم جهانها فی صفحه ۱۴۸
 « هر چند ولی امر الله مقام ریاست عالیّه این مجمع جلیل را بعهده دارد
 ولی هرگز نمیتواند و لولبطو موقت حق وضع قوانین را منحصرأ احراز نماید
 بعلاوه نمیتواند مصوبات اکثریت اعضا را مرد کند *
 از کتاب ظهور بهاء الله نظم جهانها فی صفحه ۱۵۰ (ترجمه)
 علاوه بر همه اینها قلوب باریان باید از این کلمات حضرت بهاء الله مطئن
 باشد که میفرماید :

« ید قدرت الهیه این احرازین را بر اساس منین و محکم استوار فرموده
 که طوبی انقلا بات عالم کون بنیا آنرا هرگز ننهدم ننماید و او هام بشر
 بنیاد آنرا منزلزل نازد * » (ترجمه)

از کتاب ظهور بهاء الله نظم جهانها فی ص ۱۰۹
 و نیز حضرت عبدا لبهاء میفرمایند :
 « خو جل جلاله یفعل ما یشاء است و هیچ چیز قادر با نهادن عهد

و پیمان او نیست و نمیتواند الطاف او را سزا دهد و یا مخالفت امر او کند و اراده خود هر چه بخواهد میکند و بر کُلّ انبیاء تا در است *» (ترجمه)

از مکاتیب حضرت عبدالبهاء بچا امیر کاجلد ششم صفحه ۵۹۱۴

اجتبا باید بدانند که بیت العدل عمومی قبل از وضع هر قانون با کمال دقت بطور کامل جمیع نصوص مبارکه - توفیقات حضرت شوقرانی را در آن خصوص مورد مطالعه قرار میدهد - تبییناتی که بقلم ولی محبوب امرالله مرقوم گشته شامل موضوعات بسیار وسیعی است مانند نصوص واجب الاطاعه است *

باید دانست بنیابتینا حضرت ولی امرالله و توفیقات بیت العدل در اجرای وظیفه خود که عبارت است از «شود در کلبه مسائل مورد اختلاف موضوعات - مبهم و تاریک و مطالبیکه صریحاً در کتاب الهی ذکر نشده» فرق بسیار موجود است ولی امرالله معاً نصوص را بیان میکند و تبیین او بنیاً حقایقی است که نمیتوان تغییر داد ولی بفرموده حضرت ولی امرالله «به بیت العدل عمومی این حق انحصاری اعطا شده که در مسائل غیر منصوص در آثار الهائی وضع قانون و احکام صادره از بیت العدل عمومی که خود آن هیئت حق اصلاح و نسخ آنرا دارد در حکم متمم و وسیله اجرای قانون الهی است هر چند وظیفه تبیین به بیت العدل تفویض نشده و لکن این هیئت صلاحیت دارد برای استقرار نظم جهانی بهائی حضرت بهاء الله در روی زمین بهر اقدامی که لازم داند قیام نماید و یقین است در امرهائی با در نظر داشتن نصوص محکم الهیه

و تبییناً مفصله حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی ربانی و حدّ عقیده و ایمان
 حفظ میگردد مضافاً باینکه علیه هر کس که از پیش خود تفسیر یا تبیین نماید
 و آنرا با اصطلاح معتبر یا محکم بداند و بخواهد وظیفه ولی امر الله را -
 غصب نماید منع و تحذیر ایکد صادر گردد بده است *

و حدّ اداری و تشکیلاتی جهانی نیز با اقتداریکه به بیت العدل عمومی
 داده شده تأمین شده است . بفرموده حضرت شوقی ربانی :

« در این چنین است تغییر ناپذیری آیات نازل و اینچنین است قابلیت انعطاف
 و تغییر پذیری وظایفی که امنا میمنتجب او را مشخص میسازد اولی هویت امر
 الهی و اصالت احکام آنرا حفظ و وقایه میکند و درمی آنرا قادر میسازد .
 بعنوان یک موجود زنده رشد و نمو یافته و خود را با احتیاجات مقتضیات
 جامعه دائم النغیر تطبیق دهد * (ترجمه)

از توفیق مؤرخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰ کتاب نظم جهان جهانی ص ۲۵

هر مؤمن حقیقی هر گاه بخواهد معلوم ما خود را در امر حضرت بهاء الله
 عمیق نماید باید حتماً ایمان ثابت خود را با آثار بی‌زوال امر الهی و عهد و
 میثاق آنرا با خصوصاً که لازمه اقرار و اعتراف باین مطلب است توأم نماید
 که هیچکس از انبیا این نسل نمیتواند ادعا کند و وسعت نامحدود امر الهی و
 یا اسرار گوناگون و قابلیت بشمار مکنونه آنرا درک کرده باشد *
 بیان ذیل از حضرت شوقی ربانی شاهد صادقی بر این حقیقت است :

« چه عظیم است امر حضرت بهاء الله چه فخیم است عفتیاء و مواهب و که در این یوم چون غیثهاطل بر عالم انسانی نازل شده است و در عین حال چقدر کوچک و ناتوان است قوه ادراک ما از درک مفهوم حقیقی و جلال آن » (ترجمه)

« نسل کنونی بزمان اشراق این ظهور اعظم آفتد نزدیک است که نمی تواند کاملاً امکانات محدود امر الهی و صفا مشخصه بی سابقه و نظیر آن ظهور را مکتونه و خفیّه قدر و عظمت حضرت بهاء الله را درک کند »
* * *
(ترجمه)

نامه مورخ ۲۱ مارچ ۱۹۳۰ کتاب نظم جهان بهاء الله ص ۲۴
« حضرت عبدالبهاء در الواح و صایا از ما دعوت فرموده که تنها بدو قید و شرط نظم بدیع جهان حضرت بهاء الله را بپذیریم بلکه قدر و ارزش آنرا در انظار عالمیان مکشوف سازیم * اگر قصد کنیم قدر و منزلت کامل آنرا دریابیم باید از این مدت کوناهی که از زمان اشراق طلوع آن گذشته بجواییم مفهوم حقیقی اش را درک کنیم اقدامی بموقع و گستاخانه کرده ایم بلکه باید تسلیم زمان شویم و بهدایت بیت العدل اعظم الهی الطمینان داشته باشیم تا مفهوم روشن تر و کاملتری از محتویات و آنچه را متضمن است بدست آوریم * » (ترجمه)

نامه ۲۳ فوریه ۱۹۲۴ کتاب تشکیلات بها ص ۶۲

« واما راجع بترتیب تمشیت مورد روحانیه اجباها مانا تقویت اساس
 مخالف مقدس روحی است در تمام نقاط چه که بر این اساس محکم متین
 در مستقبل ایام بیت العدل اعظم الهی استوار و برقرار گردد و چون این
 بنیاد اعظم بر این اساس اقوام مرتفع شود نوایای مقدسه الهیه و حکم
 و معانی کلیه و رموز و حقایق ملکوتیه که در وصایای مبارکه الهی اما غیبیه
 حضرت بهاء الله و دیعه گذاشته شد بتدریج ظاهر و آشکار گردد
 و جلوه نماید * » (توقیع فارسی مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۲۲)

این قبیل بیانات مُدل بر آنست که معنا کامل الواح وصایای حضرت -
 عبدالبهاء و همچنین بیرون بمفاهیم و تصرفات نظم جهان که در آن سند خلیف
 معرفی شده تنها بتدریج و پس از آنکه بیت العدل عمومی تأسیس شد در
 انظار ظاهر خواهد گشت از یاران دعوت میشود عامل زمان را در نظر آورند
 و منتظر هدایت بیت العدل عمومی باشند که عندالافتضا قرارهای
 لازم صادر کرده مسائل و مطالب مبهم را با تصمیمات خویش حل و روشن
 خواهد ساخت *

قیمت سوم سئوال اینکه از طرف یاران طرح شده مربوط بطریقه عمل
 بیت العدل عمومی در غیبت ولی امر الله و خاصه موضوع طرد اعضای
 بیت العدل است *

این قبیل مسائل در اساسنامه بیت العدل که تدوین آن یکی از اهداف

نقشه نه ساله است توضیح خواهد گردید و ضمناً با اطلاع یاران میرسد که هر عضو بیت العدل گاهی ارتکاب نماید که در حق عموم ضرر حاصل شود ممکن است از عضویت بیت العدل با کثرت آراء همان هیئت طرد گردد و نعوذ بالله اگر عضو ناقض عهد شناخته شود موضوع از طرف ایادی امرالله رسیدگی میشود و آن فرد ناقض عهد مانند هر فرد دیگری نابتصمیم ایادی امرالله مقیم ارض اقدس و تصویب بیت العدل طرد خواهد شد * تصمیم ایادی امرالله در اینگونه موارد بوسیله بیت العدل عمومی بعالم جهانی اعلان خواهد گردید *

مایقین داریم هینکه شما مضمون این نامه را با یاران در میان گذارید و منتخباً آثار مبارکه و مرقوم حضرت ولی امرالله توجه آنها را جلب نماید شک و شبهه آنان از میان رفته و خواهند توانست تمام مساعی و همت خود را در نشر امر حضرت بهاء الله صرف نمایند و با کمال صفا و ستر مطهرن باشند که قدس عهد و میثاق الهی هرگونه امتحان و افتتار را که از سماء قضا بمهرم نازل شود محو و نابود خواهد کرد و باین طریق نشان خواهد داد که قادر است دنیا پر اضطراب نجات داده و علم ملکوت الهی را بر سر زمین برافرازد *

بالتحیات محبت آمیز - بیت العدل عمومی

۲ - ترجمه بعضی فقرات نامه که در تاریخ ۲۲ ماه می ۱۹۴۶ از طرف

بیتُ العَدْلِ اعظم درجواتِ سئوالاتِ یکی از یاران در خصوص ارتقاء بین
مقام ولایت و بیتُ العَدْلِ اعظم صادر شد ❖
رُحْمَتِ عَزْمِ رَبِّهَا نِیَّ

« در باره مقتضی بودن زمان انتخاب بیتُ العَدْلِ اعظم با توجه باین
بیاض حضرت ولی امر الله سئوال کرده بودید که میفرمائید ❖
« هر وقت اوضاع مساعد پیش آید که بهائیان ایران و کشورهای
مجاورت تحت سلطه اتحاد جماهیر شوروی بتوانند نمایندگان ملی خود را -
انتخاب نمایند ❖ تنها مانع باقیمانده در سبیل تشکیل قطعی بیتُ العَدْلِ اعظم
از میان رفته است ❖ »

در تاریخ ۱۹ آپریل ۱۹۴۷ حضرت ولی امر الله در نامه که منشی از طرف
آنحضرت نگاشته به سئوال یکی از افراد احباب دربارم همین عبارت
چنین جواب فرموده اند ❖

« اشاره می که حضرت ولی امر الله بروستیه فرموده اند مربوط بزمانی بود
که عده ای بهناد رانجا بودند ولی اکنون جامعه بهائی عملاً در آنجا وجود
ندارد بنابراین تشکیل بیتُ العَدْلِ اعظم نمیتواند بربیک محفل ملی بروستیه
مُعلق باشد بلکه باید پایه مخالفانیه دیگری استوار گردد تا بتوان بیتُ العَدْلِ
اعظم را تأسیس نمود ❖ (ترجمه)

شما باین احتمال اشاره کرده اید که شاید از جهت صلاح امر بعضی اطلاعاتاً

درباره جانشینی حضرت شوقی افندگ از اجامستور مانده است ولی بشما
 اطمینان میدهم که هیچ چیز از یاران بهر دلیل که تصور کنید مخفی و مستور
 نمانده است * بهیچوجه جاشک نیست که درالراح و صالیای حضرت
 عبدالبهاء بحضرت شوقی افندگ مرجعیت مخصوص برای تعیین جانشین
 خود داده شده است ولی آنحضرت اولادی نداشته و اغصا با زمانده
 همه نقض عهد کرده بودند . باین قرار همانطو که حضرت ایادی امرالله
 در ۱۹۵۲ اظهار داشتند واضح گشت کسی نمانده بود که بر طبق نصوص
 الواح و صالیای جانشینی انتخاب شود و انتخاب جانشین خارج از نصوص
 و مدلول روشن و صریح الواح و صالیای نوزبوسیه و ولی امرالله یعنی مرکز
 منصوص و مدافع عهد و پیمان الهی مسلماً غیر ممکن و غیر قابل تصور بود و
 بعلاوه چنانکه میدانید در همان الواح و صالیای برای تأیید انتخاب -
 جانشین ولی امرالله طریقیه واضح و روشنی مقرر گردیده باینقرار که نه
 نفر ایادی که از طرف مجمع ایادی انتخاب میشوند بآرای مخفی موافقت خود را با
 انتخاب ولی امرالله اعلام نمایند * در ۱۹۵۲ مجمع ایادی پس از تحقیق
 و تعمق کلمل و متفقاً اعلام داشت که حضرت شوقی افندگ جانشینی تعیین نفر
 و وصیت نامه ای بجا نگذاشته است این موضوعی است مستند و محرز و
 این حقیقت را که حضرت شوقی افندگ وصیت نامه ای از خود بجا نگذاشته
 بناید عمل بر هدم اطاعت امر حضور بلاء الله کرد بلکه باید ازغان کنیم که

در همین سکوت حضرت حکمی لافتنه و نشانه هدایت مصون از خطا
 آن وجود مبارک است ما باید در آثاری که در دسترس داریم تمعن و تعمق
 کنیم و کوشش کنیم بجواهر معانی کثیره مندرجه در آنها پی بریم و فراموش
 نکنیم که حضرت شوق افندگ فرموده اند که برای درک بیشتر نظم جهان
 آرای حضرت بهاء الله دو چیز لازم است: یکی مردن همان و دیگری
 هدایت بیت العدل اعظم *

معصومیت بیت العدل اعظم در حدود معینه خودش مُعلق بحضور
 ولی امر الله بعنوان اعضوان هیئت نیست * هر چند در مقام تبیین
 اظهارات و بیانات ولی امر الله لازم الاجراست لیکن در مقام مشارکت
 ولی امر الله در وضع قوانین همواره تصمیم مُتخذ از طرف هیئت بیت العدل
 منوط اعتبار است و این مطالب متکی به بیانات حضرت ولی امر الله است
 که میفرمایند *

«تبییناً ولی امر الله مادام که در حدود اختیارات خود عمل میکند
 همان درجه معتبر و لازم الاجراست که مصوناً بیت العدل اعظم معتبر است
 و بیت العدل اعظم برای اظهار نظر و صدور حکم‌های دربارۀ حدود
 و احکامی که حضرت بهاء الله تنصیب نفرموده اند حق ندارد *
 هیچک از آنها نمیتوانند و هرگز نباید بحدود و وظایف مُقدسه
 و مقررۀ دیگری دخالت کند و هیچکدام در صد تخطی با اختیارات مخصوص

و قطعی که از طرف خداوند بگرد و آنها اعطاء شد بر نخواهد آمد *
 با اینکه ولی امر الله رئیس دایمی چنین هیئت عالی معین شده معذک
 نمیتواند و لو موقتاً حق قانون گذاری بخود تخصیص دهد * و نمیتواند
 از تصمیم اکثریت آراء سایر اعضاء عدول کند ولی در باره هر تصمیمی که
 وجداناً عقیده مند باشد مخالف مفهوم و یا مغایر روح بیانات نازله
 حضرت بهاء الله است و وظیفه دار است مؤکداً تجدید نظر در
 آن مورد را بخواهد * « (ترجمه)

هر چند از وظیفه ولی امر الله بعنوان عضو رئیس مقدس مادام العمر
 بیت العدل اعظم خارج باشد معذک در عین انجام امور در اثره
 مخصوص خود این حق و وظیفه را دارد که حد و عمل قانون گذاری
 بیت العدل اعظم را معلوم نماید بعبارة اخری ولی امر الله اختیار
 بیان مطالب را داشته است که فلان موضوع در خصوص مقدسه
 ذکر شده است یا نه و بنا بر این آیا در حیطه اختیارات بیت العدل اعظم
 بوده است که درباره آن قانونی وضع نماید یا خیر و غیر از ولی امر الله
 هیچکس حق و اقتدار چنین اظهار نظر را ندارد و در نتیجه این سؤال
 پیش میآید در غیبت ولی امر الله بیت العدل اعظم در معرض انحراف از
 منہاج مستقیم خود نخواهد بود و در ورطه خطا و اشتباه نخواهد افتاد و
 در اینجا سه موضوع را ما باید بخاطر میآوریم *

اول اینکه حضرت شوقانندگی طی و شش سال دوره ولایت خود تبییناً
و توضیحاً ایستادند و بیانات حضرت عبداله‌ها و جمال قدس الهی را -
تکمیل نموده است و چنانچه قلابیاران خاطر نشان گردیدند بیت العدل اعظم
برای اینکه در موضوعی خواهد وضع قانون نماید این عمل قانون گذاری همیشه
مستحب و تعین دقیق در آثار و تبییناً مبارکه می باشد *

ثانیاً بیت العدل اعظم با اینکه متکی به هدایت الهیه است بخوبی غیبت
ولی امر الله را درک میکند و تنها موقعی بوضع قانون می پردازد که از شمول
آن در حوزه حاکمیت و اختیار خود مطمئن باشد و حوزه حاکمیتی که حضرت
ولی امر الله مؤکداً در باره آن می فرمودند «بکمال وضوح تعیین
و تصریح گردیده است» *

ثالثاً ما نباید بینا کتبی حضرت ولی امر الله را در باره این دو مؤسسه
فراموش کنیم که می فرماید *

« هیچکدام از آنها نمیتوانند و هرگز نباید بحد و در وظایف مقدسه
و مقرره دیگری تخطی نمایند» *

اما راجع با احتیاج استنباطاً از آیات و آثار در سبیل مک مک بوضع قوانین
و مقررات موضوعه توسط بیت العدل اعظم بیاضیل بقلم حضرت عبداله‌ها
شایان توجه است که می فرمایند *

« مسائل مهمه ای که اساس شریعه الله محسوب بالصراحه در نصو

الذکر شده است اما وضع قوانین فرعی به بیت العدل اعظم راجع است
 حکمت این امر آن است که آیام هرگز بیک منوال باقی نماند زیرا تغییر از لوازم
 ذاتی کیفیات ضروری این جهان است و مکان است؛ بنابراین بیت العدل
 به اقتضای زمان اقدام خواهد کرد؛ «نباید تصور کرد که بیت العدل اعظم
 طبق استنباط و عقیده اعضا خود تصمیم اتخاذ خواهد کرد لا والله
 بیت العدل اعظم الهی به تأیید و الهام از روح القدس به اتخاذ تصمیم و وضع
 قوانین خواهد پرداخت زیرا در ظل صوت و حمایت و محافظه جمال قدم است
 و اطاعت تصمیم آن از وظایف حتمیه و ضروریه و از تکالیف قطعیه
 و هیچکس نمیتواند از آن عدول کند» *

«بگوی مردم؛ بر استی بیت العدل اعظم در ظل جناح پرورندگان
 مهربان و بخشنده و تحت عون و صون و حمایت و استی یاران ثابت قدم
 خود امر فرموده است که از آن هیئت مجلله مقدسه مطاعه که اقتدارش
 مرعبد الله و مستمد از ملکوت علی و احکامش ملهم و روحانی است
 اطاعت کند» *

«خلاصه اینست حکمت رجوع قوانین اجتماع به بیت العدل اعظم
 در آیات اسلام نیز همه احکام بصراحت نازل شده و حتی عشره از اعشار
 در کتاب نیامده است با اینکه به همه مواضع مهمه صریحه اشاره شده
 بلا تردید هزاران قانون دیگر موجود که در نصوص اسلامی تصریح نشده

این قوانین بوسیله علمای ازمنه بعد و بموجب قوانین شرع و فقه اسلامی وضع گردیده حتی هر يك از علما از احکام اصلیه اسلام - قیاسها و استنباطات متضاد کردند و کلاً تنفیذ گردید؛ و امروز این مسئله قیاس و استنباط از حقوق بیت العدل است. استنباطات و استنتاجات افراد علما اعتبار ندارند مگر آنکه بیت العدل آنها را تصویب نماید. فرق اساس در این است که از استنباطات و مصوّب‌های بیت العدل که اعضا آن بوسیله جامعه جهانی انتخاب شده اند شناخته شده اند اختلافی ظاهر نخواهد شد و حال آنکه استنباطات آحاد علما و فقها با ایجاد اختلاف و انشقاق و تفرقه و پراکندگی منتهی میشود؛ وحدت کلمه از میان میرود و اتحاد دیانت معدوم میشود و ارکان شریعت - الهی متزلزل میگردد» * (ترجمه)

در نظم حضرت بهاء الله بعضی از وظایف بر عهده برخی از مؤسسان محول شده است و بعضی وظایف دیگر با آنکه ممکن است بیشتر در حوزه اختیاری یکی از مؤسسان باشد مشرکاً انجام میشود مثلاً با وجود اینکه حضرت ایادی امرالله برای شیاء و ترویج امر و وظایف مخصوصه بر عهده دارند و میتوان گفت که انجام این وظایف آنها تخصیص داده شده معدک بیت العدل اعظم و مخالف روحانیه نیز مأموریتها و تبلیغ امرالله هستند و البته چنانکه همه میدانند تبلیغ وظیفه

مقدس است که بر عهدہ عموم پیران امر حضرت بهاء الله گذاشته شده است. همچنین طریقی هر چند پس از حضرت مولی الوری و طیفه تفسیر و تبیین مُحصَر اجزای ولی امر الله محوّل شده بود * و هر چند وضع قوانین منحصراً و طیفه بیت العدل عمومی است معذلک این دو مؤسسه بفرموده حضرت ولی امر الله در منظور و مقصد مکل یکدیگرند منظور مشترک اساسی آنها نامین و مسائل استمرار اقبال ملکوتی است که از منبع اصلی دیانت مقدس جریان مییابد تا وحدت مؤمنین و نصیحتاً تامیت و قابلیت اعطاف تعالیم الهی را تأمین نماید. (ترجمه) در حالیکه بیت العدل اعظم نمیتواند هیچیک از وظایف خاصه ولی امر الله بر عهدہ گیرد در عین حال باید خط مشی خود را در پیش بردن منظور اصلی که با مقام ولایت امر مشترکاً بر عهدہ داشته ادامه دهد *

هما نظور که آنجناب با نقل منتخبات عدیده متذکر شده اید حضرت شوقاً اندک کراراً نسبت به عدم انفکاک این دو مؤسسه تأکید فرموده اند و با وجود اینکه مسلماً منظور هیکل مبارک آن بوده است که این دو مؤسسه متفقاً با اجرای وظایف قائم باشند ولی از این مطلب نمیتوان منطقاً چنین استنباط نمود که یکی از این دو مؤسسه بدون دیگری قادر بر انجام وظیفه نیست *

حضرت شوافند طی و بران سوی و شش سال ولایت بدون وجود بیت الهدی
اعظم بانجام وظایف میسر دآخذ * اینک بیت العدل اعظم باید بدو
ولی امر فعالیت نماید و حال آنکه هنوز اصل عدم انفکاک این دو مؤسسه
بقوت خود باقی است * اهمیت مقام ولایت امر در نظم حضرت بهاء الله
بصرف نبودن ولی امر در این عالم از میان میرود * ما بهائیان باید از دو
جنبه افراطی بر حذر باشیم یکی آنکه استدلال شود که چون ولی امر
وجود ندارد پس آنچه در نظم جهات بھائی درباره ولایت امر موقعت و
مقام آن نوشته شده باطل و فاقد ارزش است * دیگر آنکه آنچه انجمن
نفوذ مفهوم و اهمیت مقام ولایت امر واقع شویم که قوت میثاق را کمتر از
آنچه هست ملحوظ داریم و یا چنان دچار وسوسه گردیم که با تعبیر اغیر موج
از نصوص صریحه الهیه به طریق و هر نحوی « ولی امر » بوجود آوریم *
خدمت بامر الهی مستلزم وفای مطلق و صداقت و ایما تزلزل ناپذیر است
او است * هرگاه مسئولیت آینده امر الهی را بدست گیریم ولی بدون توجه
به نصوص صریحه الهیه و محدودیتها بشری آنرا بطریق دلخواه خود سوا
دهیم نه تنها منشا خیر نخواهد بود بلکه نتیجه ای جز شر بار نخواهد
آورد *

این امر الله است و حو و عده فرموده که فیوضاتش منقطع نشود * ما بهام
خود باید بصیرت کلمات منزله و همچنین مؤتساتیکه برای صیانت قش

تأسیس فرموده قویاً تثبیت و تمسک نمایم * بخصوص در این زمینه است که یاران باید اهمیت سلامت فکری و فروعی را دریابند * در ظهور و اقبل بی‌شای از لغزشها معلول آن بوده که مؤمنین بشریة الهیة بسیار سابق بودند در قالب ادراک محدود و خود پیام الهی را تعبیر و تفسیر نمایند و اصول تعالیم - الهیة را که خارج از دایره عقول و افکارشان بود تعریف نپسین کنند نیز در صد تشیح رموز و اشارتی بر میآمدند که درک آن تنها در پر تودانش و بینش و حکمت عسی بعدا مکان داشت و نیز استدلال میکردند مسائل مقرون بحقیقت است که بزعم ایشان مطبوع و لازم مینموباید از چنین توجیها مصلحت آمیز در باره حقایق ضروریة بر حذر بود و از این قبیل که بر غیر و فر فکر قطعاً اجتناب نمویاران باید بدانند که اگر بیت العدل اعظم در اظهار پاره‌ای مطالب از شرح و تفصیل احتراز میجوید بدان جهت نیست که بخواهد رویه استنار و اتخاذ نماید بلکه بدان سبب است که اصولاً تقصیم این هیئت از ابتدا بر آن بوده که از تبیین و تشیح تعالیم احتراز جسته همواره حقیقت بیبا هیکل مبارک حضرت ولی امر الله را مد نظر داشته باشد که مینفرماید:

« رؤسا اديان طرفداران عقائد سياسي و کردارندگان مؤسسات بشری * بناید در واهیت و منشأ یا اعتبار مؤسساتی که بدست پیر و ان امر الهی در سراسر جهان تأسیس میشود شك کنند یا اضطراب بخود راه دهند * زیرا اساس آن مؤسسات در نفس تعالیم مبارک مندرج است

واستنباطات نامقبول و تفاسیر غیرحجاز از کلام الهی خدشه بآنها وارد نشنا
و دچار ابهام نخواهد کرد * « (ترجمه)

در دیانت بهائی بین تفسیر و تفسیر که توسط مراجع منصوص صورت میگیرد
با تفسیر و استنباطات فردی که ضمن مطالعه تعالیم و آثار الهی حاصل
میشود فرق بارز می وجود دارد در حالیکه مورد اول مختص و الهی امر الله
میباشد از مورد دوم که استنباطات شخصی باشد بفرموده شخص حضرت
ولی امر الله بجهت عنوان نباید مانعت شود زیرا فی الحقیقه این قبیل تفسیرات
فردی ثمره قوه عقلانی انسانی بوده موجب درک بیشتر و بهتری از -
تعالیم الهیه است مشروط بر آنکه از این رهگذر هیچگونه اختلاف

و مناقشه ای بین یاران حاصل نشود و هر کس فهمد مدد بالصراحه روشن
سازد که نظرات و عقایدش صرفاً جنبه شخصی دارد * همانطور که بر میزان
درک انسان از تعالیم الهیه افزوده میشود. همان نسبت استنباطات
فردی وی نیز دائماً تغییر مییابد و بطوریکه حضرت ولی امر الله
میفرمایند * عمیق شدن در امر یعنی آنکه انسان آثار حضرت بهاء الله
و حضرت مولی العزیز را چنان دقیق و کامل مطالعه کند تا بتواند
امر الله را بصورت واقعی بدیگران معرفی نماید *

بسیاری از افراد دارای نظرات و عقاید سطحی نسبت بمنظور و مقصد
امر الهی میباشند و لذا این نفوس آئین الهی را توأم با افکار و تصورات

شخصی خود به سایرین معرفی میکند * چون امر الله هنوز مراحل -
 اولیه را طی میکند باید نهایت حقیقت کنیم مبادا مرتکب چنین خطائی
 شویم باین غمضت مقدّس که تا این پایه مورد علاقه و پرستش ماست
 لطمه وارد سازیم * برای مطالعه امر الهی حد و حصری وجود ندارد
 هرچه آیات الهی را بیشتر بخوانیم بحقایق بیشتر پی میبریم باین حقیقت
 واقفتر میشویم که افکار و تصورات قبلی ما آمیخته با خبط و خطا
 بوده است * (ترجمه)

بنابر این گرچه بصیرت انسانی ممکن است به روشن ساختن برخی از
 مسائل و مشکلات کمک کند همچنین امکان دارد موجب ضلالت و
 گمراهی گردد لهذا یاران باید طرز استماع نظریات و عقاید دیگران را
 بیاموزند بنوعی که بیش از حد تحت تأثیر آن واقع نشوند و در ایمانشان
 تزلزل حاصل نگردد و نیز بدانند چگونه اظهار نظر نمایند که برد یگیا را
 تحمیل نشود * امر الهی وجود زنده ای است که مثل تمام موجودات حیثه
 رشد و نمو کرده و روبرو به تکامل میرود * این امر بارها با بجزایرها
 روبرو شده است که یاران را مشتوش و مضطرب ساخته ولی هر
 هنگام که باراده الهیه با مخاطره ای مواجه شده است بر آن غالب
 گشته و ما الاعظم و اعلائی بیشتر یافته است هر قدر عدم توانائی
 ما در درک اسرار و رموز مربوط به صعود حضرت شواهد زیاد باشد

بر این حقیقت واقفیم که جل‌المتین ماها نامی شاق الهی است که باید با
اطمینان بآن تمسک و تکیه جوئیم * بی‌ساختن مؤکد حضرت مولی‌الوری
در الواح و صلیای مبارک در این امر همانند آیام پس از صعود هیکل
مبارک رضامن و کافل امر الهی است که میفرمائید *

مرجع کل کتاب قدس هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل -
عمومی * بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا با اکثریت آراء تحقق یابد
همان حق و مراد الله است من تجاوز عنه فهو ممن احب الشقا
واظهر النفاق و اعرض عن رب الميثاق *

و همچنین میفرمائید *
« کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداها کل مخالف
فوضلال مبین *

بیت العدل اعظم که بفرموده هیکل مبارک حضرت ولی امر الله
در آئینه آیام بعنوان آخرین ملجاء و پناه مدنیت متزلزل و پر
آشوب محسود در حال حاضر غیبت ولی امرتها مؤسسه ایست
در عالم که تحت هدایت مصون از خطای الهی قرار داشته و
همه باید بآن ناظر باشند * این مؤسسه مسئولیت تضمین
وحد و پیشرفت امر الهی را بر حسب نصوص مبارکه بر عهده دارد
از حضرت مولی‌الوری و حضرت ولی امر الله بیاناتی موجود است -

مشعر بر آنکه بیت العدل اعظم علاوه بر آنکه عالیترین هیئت تقنینیه
 امر است مرجع کل و رأس نظم اداری جهانی و نیز عالیترین مقام در نظم
 جهانی بجائی میآید: حضرت ولی امر الله ضمن توقیعات مبارک
 برای بیت العدل اعظم چند وظیفه اصلی و مهم از قبیل ایجاد نقشه ها
 تبلیغی جهانی آیند - مباشرتاً موراد اداری امر - هدایت و تنظیم و توجیه
 امور امری را در سراسر جهان تصحیح فرموده اند * بعلاوه در کتاب
 مستطابک دپاسزبای باین بیانات مبارکه ناطق:

کتاب مستطاب اقدس . نه تنها برای نسلهای آیند احکام و اوامر
 وضع کرده که مؤسس است نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء الله در -
 مستقبل ایام بر آن استوار خواهد شد بلکه علاوه بر وظیفه تبیین و
 تفسیر آیات که بجانشین منصوص خود محول کرده مؤسس است ضریقه
 را تعیین و تنصیف فرموده که بوسیله آنها اصالت و وحدت امر الهی ^{فظت}
 و صیانت خواهد شد « و همچنین در کتاب دوریهائی چنین فرموده اند
 که فقط اعضا بیت العدل اعظم مهابط هدایت و الهامات الهیه اند
 نه هیئت منتخبین که رأساً بطور غیر مستقیم ایشان را انتخاب مینمایند
 و این الهام همانا روح حیا و حافظهائی این ظهور اعظم است . (ترجمه)
 همانطور که بیت العدل اعظم قبلاً نیز اعلام داشته است این هیئت
 نمیتواند قانونی وضع کند که بموجب آن انتخاب جانشین را بر له

حضرت شوقی افندگ ممکن سازد و یا مبادرت با انتخاب ایادی امر جدید نماید ولی نباید در حد قدرت خود بکوشد که اجرای جمیع وظایفی را که بر عهده آن هیئت و این دو مؤسسه جلیل مشترک آفاده شده تأمین و تضمین نماید * این هیئت باید مبادرت بوضع مقرراتی نماید تا وظایف مربوطه به صیانت و تبلیغ امر الله که تشکیلات اداراتی بهائی با مقام ولایت و حضرت ایادی امر الله در اجرای آن سهیم و شریکند در آینده بنحوی صحیح مجری گردد * بیت العدل اعظم باید در غیاب ولی امر نسبت بوصول و مصرف حقوق الله بر حسب بیان ذیل که از حضرت عبدالبهاء است اقدام کند *

« تصرف در حقوق جزئی و کلی جائز ولی باذن و اجازه مرجع امر »
 این هیئت باید در نظامنامه خود برای انضام هر يك از اعضاء که مرتکب گناهی شود که ضرر به عموم رسد تدابیر اتخاذ نماید و بخصوص این هیئت باید با ایمان کامل بحضرت بهاء الله امر مبارکش را اعلان و شریعتش را تنفیذ نماید بنحویکه صلح اعظم در نهایت اتقان در این عالم مستحکم گردد و ملکوت الله در روی زمین استقرار یابد *

با عرض تحیات بهائی - بیت العدل اعظم

۳ - دستخط منبع بیت العدل اعظم مورخ ۷ دسامبر ۱۹۶۹

دوست عزیز بهائی *

نامه اخیر شما راجع بسؤال اینکه در موقع مطالعه کتاب «درجهائی»
 برای بعضی از جوانان پیش آمده واصل و بحال دقت مورد ملاحظه و توجه
 واقع گردید * این هیئت مایل است درباره عبارت مخصوصی که در نا
 متذکر شده اید و همچنین عبارت دیگری که در همان کتاب مذکور
 و مربوط باین موضوع میباشد نظرات خود را اظهار نماید زیرا هر دو
 در خصوص رابطه مقام ولایت امرالله و بیت العدل اعظم گفتگو مینماید
 عبارت اول راجع باین وظیفه ولی امرالله است که در بیت العدل
 اعظم وضع هر قانونی را که مخالف مفهوم حقیقی آثار مقدسه و مبانی
 باروح تعالیم الهیه تشخیص دهد میتواند از اعضاء و همکاران خویش
 بخواهد در آن تجدید نظر نمایند *

عبارت ثانی مربوط بجنبه عصمت بیت العدل اعظم بدون حضور
 ولی امرالله است یعنی ناظر باینست که حضرت شوق افند است که مینماید
 « بدون این مؤسسه (یعنی ولایت امر) ... هدایتی که جهت
 تعیین حدود عمل قانون گذاری نمایندگان منتخبه ضرورت است کاملاً
 سلب میگردد * »

بقرار مرقومه بعضی از جوانان در این خصوص دچار حیرت و شگفتی
 گردیده اند که چگونه ممکن است عبارت اول را با بیاناتی نظیر اینست
 مبارک حضرت عبدالبهاء که در الواح و صایا صریحاً مینماید *

« بیت العدل الذی جعله الله مصدر کل خیر و مصوناً من کل

خطا، تطبیق داد ☞

در این خصوص متذکر میشویم همان نوع که الواح و صایای حضرت
عبد البهاء بپنجاه من الوجوه بامندرجا کتاب قدس مباینت
ندارد بلکه طبق بیان حضرت ولی امر الله مؤید و مکمل و شارح احکام
کتاب قدس است * بجهان قسم بین آثار حضرت ولی امر الله و آیات
منزله از قلم اعلی و تبیین و توضیحاً صادره از یراعه میثاق همیچوجه مغایر
و بینوینت وجود ندارد * بنابراین برای درک معانی آثار مبارکه باید
ابتدا باین حقیقت پی برد که فی الواقع در کلمات الهیه اختلاف و
تضادی نیست و نمیتواند وجود داشته باشد و سپس در پرتو این امر
میتوان با کمال اطمینان در صد تجسّس حدّ معانی متضمنه در آنها برآمد
ولی امر الله و بیت العدل اعظم پاره ای وظایف و تکالیف مشترک
دارند ولی در عین حال هر یک در دایره مشخص و جداگانه عمل میکنند.
ولی امر الله در این باره میفرماید ☞

« کاملاً واضح و روشن است که ولی امر مبین آیات الله و بیت عدل
اعظم واضح احکام غیر منصوصه است * تفسیر و تبیین و ولایت
امر در دایره خویش همانقدر مورد تمکین و انقیاد است که قوانین موضوعه
بیت عدل که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیر منصوصه

حضرت بهاء الله است» *

و سپس اضافه میفرمایند که «هیچیک از این دو نمیتوانند بحدود مقدسه دیگری تجاوز نمایند و هرگز تعهد نخواهند نمود * هیچیک در صد شرف سلطه و اختیارات مخصوصه و مسلمه دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته است بر نخواهد آمد» *

فالحقیقه نمیتوان تصور نمود که دو مرکز دارای قدرت و اختیارند و حضرت عبدالهه در باره آنها میفرماید: «هر دو تحت حفظ و صیانت جمال الهی و حر است و عصمت فائز از حضرت اعلی است» باینکه مگر معارض باشند زیرا هر دو واسطه فیض الهی حامل هدایت ربانی میباشند *

بیت العدل اعظم علاوه بر وظیفه وضع قوانین و ظایف عمومی تری نیز از قبیل صیانت و اداره امور امریه و حل مسائل مبهمه و اتخاذ تصمیم نسبت بمواضع مورد اختلاف بر عهده دارد و در هیچ جا ذکر نشده که عصمت بیت العدل اعظم ملازم عضویت ولی امر الله یا حضور ایشان در آن هیئت است بلکه در حقیقت هم در الواح و صایای حضرت عبدالهه و هم در بیانات حضرت شوق افندگ مندرج در کتاب «دور بهائی» این مسئله بصریح بیان مذکور گردیده که اعضاء منتخب بیت العدل اعظم در حال شوق و مشورت از حفظ و هدایت الهی برخوردارند * علاوه حضرت ولی امر الله بنفسه در کتاب نظم جهانی حضرت بهاء الله میفرماید *

« این مسئله باید بر فرد فرد یاران روشن و محقق گردد که مؤسسه و لا^{یت}
 امر هیچوجه اختیاراتی را که از طرف حضرت بهاء الله در کتاب اقدس به
 بیت العدل اعظم تفویض گشته و حضرت عبد البهاء صریحاً و اکیداً در
 الواح وصایا تأیید فرموده اند نسخ نموده و بقدر خردی از مقام آن ^{هد} نمیکانند
 • این مؤسسه با آثار و الواح حضرت بهاء الله مباینتی نداشته و هیچیک
 از احکام و تعالیم منزله از قلم اعلی را ملغی نمیسازد »

با اینکه وظیفه و مسئولیت خاص ولی امر الله تبیین آیات الهی است
 در عین حال قدرت و اختیارات لازم جهت اجرای وظیفه مقدس و لا^{یت}
 امر و صیانت عالیه و قیادت امر الله را بنحواً کامل دارا میباشد بعلاوه ولی
 امر الله رئیس مقدس و عضولاً ینعزل هیئت عالیته تقنینیه این آئین یزدا^{یت}
 است * دخالت شرکت ایشان در وضع قوانین بعنوان رئیس مقدس
 بیت العدل اعظم و عضو این هیئت صورت میگیرد * و چون بیان ذیل
 که موجب طرح سؤال و پرسش شما گردیده با توجه بر رابطه فوق الذکر
 در نظر گرفته شود معلوم خواهد شد که هیچگونه تناقضی بین آن و
 نصوص دیگر موجود نیست و آن این است که میفرمایند *

« هر چند ولی امر رئیس لا ینعزل این هیئت عالیته است مع هذا ^{ند} نمیتواند
 ولو بطور موقت حق وضع قوانین را شخصاً بعهده بگیرد و یا تصمیمات اکثریت
 اعضاء را الغاء نماید ولیکن هرگاه تصمیمی را وجداناً مباین با مفهوم و

روح آیات منزله حضرت بهاء الله تشخیص دهد موظف است مؤکداً
تجدید نظر را آنجا خواهد * *

با آنکه ولی امر الله از لحاظ رابطه خویش با سایر اعضا بیت العدل -
نمی تواند تصمیم اکثریت را ملغی سازد معدلک این امر قابل تصور نیست که سایر
اعضاء ایرادات و اشکالاتی را که ولی امر الله در طی مشورت متذکر میگردد -
از نظر روح داشته و یا بوضع قانونی مبادرت نمایند که حضرت ولی امر الله
آنرا مغایر با روح امر الهی تشخیص دهند * بطور خلاصه آنچه محفوظ از
خطا و مشمول صیبا الهیه است همانا قضاوت و تصمیم هائی است که
توسط بیت العدل اعظم اتخاذ و ابلاغ میگردد نه نظرات و آرای که طی
مذاکره و تعاطی افکار در جریان اخذ تصمیم و وضع قانون ابراز میشود
بنابراین ملاحظه میشود که هیچگونه تناقض اخلاقی بین بیانات -
حضرت عبد البهاء راجع بعصمت و هدایت محتومه الهیه که به بیدال عدل
اعظم عنایت شده و عبارت فوق که از کتاب دور بهائی اقتباس گردیده
موجود نمیشد * *

توجه و آگاهی یاران نسبت بطرف عمل بیت العدل اعظم در جریان
وضع قوانین ممکن است یاران را بدین رابطه مکمل نماید * در
مقام اول مسأله هدایت دقت و مراقبت در مطالعه نصوص مقدسه
و تبیینات ولی مقدس امر الله بعمل میآید و همچنین نظران جمیع اعضا

مورد توجه دقیق قرار میگیرد * آنگاه پس از مشورت کامل موضوع
تنظیم رأی متحده بمیان میآید * در این مرحله نیز ممکن است موضوع
بطور کلی مجدداً مورد مطالعه دقیق قرار گیرد و چه بسا اتفاق میافتد
که قضاوت ثانئی در نتیجه غور و تجدید نظر ثانوی بنحوی قابل ملاحظه
باینجه ای که قبلاً بدست آمده متفاوت باشد و حتی ممکن است —
بالاخره رأی هیئت بر آن تعلق گیرد که در حال حاضر درباره موضوع
مطرحه وضع قرار و قانونی ضرورت نداشته باشد * در اینجا —
میتوان دریافت که آراء و نظرات حضرت ولی امر الله هرگاه حیات
داشتند در جریان طرح این مسائل ناچه حد طرف توجه و احترام
قرار میگرفت *

اما راجع بعبادت ثانئی که در فوق ذکر گردید باید یاد دیگری باین
اصل مسلم تمسک جنسه بیقین بدانیم که تعالیم الهی هرگز مباین و معارض
یکدیگر نبوده و نیستند *

هر چند در توقعات مبارکه بنحوی صریح در باره ولی امرهای آیند
مطالبی پیش بینی شده و مذکور است لیکن در هیچ جا وعده و تضمین
صریحی که حکایت از استمرار مقام ولایت برای ابد نماید موجود نیست
بلکه بالعکس قرائن و امارات واضحی در دست است که بر انقطاع سلسله
ولایت دلالت مینماید و در مقابل دلائل و آثار مقدسه بکمال صراحت و ابراً

نأیید گردیده که در این یوم عظیم عهد و میثاق الهی غیر قابل انقضاً
و اراده ربانی غیر قابل تغیر و تبدیل است *

یکی از بارزترین شواهد که امکان چنین انقطاعی را در سلسله
ولایت امر الله پیشین بنی می نماید در نفس کتاب اقدس است که میفرماید
توله الاحلی :

« قد رجعت الاوقاف المختصة للخیرات الى الله مظهر الآیات
لیس لاحدان یتصرف فیها الا بعد اذن مطلع الوحی و بعد یرجع
الحکم الى الاغصان من بعدهم الى بیت العدل ان تحقق امره فی البلاء
لیصرفوها فی البقاع المرفعة فی هذا الامر و فیما امر و ابه من لدن
مقتدر قید و الانرجح الى اهل البهائم الذین لا یتکلمون الا بعد
اذه و لا یحکمون الا بما حکم الله فی هذا اللوح اولئک اولیاء النضر
بین السموات و الارضین لیصرفوها فیما حدّد فی الكتاب من لدن عزیز
کریم * »

صعود حضرت شوقی اقتد در سال ۱۹۵۷ و وضعی که در آیه فوق بدان
اشاره شده زودتر از آنچه انتظار میرفت تحقق بخشود بدین معنی که
سلسله اغصان قبل از تشکیل بیت العدل عظم خاتمه پذیرفت هر چند
بطوریکه ملاحظه میشود اختتام سلسله اغصان در مرحله ای از
مراحل پیشین گردیده بود ولی هرگز فقدان عظیم صعود ولی امر الله

ضربه ای که بر امر الهی وارد آمد از نظر اهل بها دور نماند و غمخوار^{هد}
ماند مع هذا تقدیر الهی برای نوع انسان لا یتغیر است و میثاق
عظیم حضرت بهاء الله چون حصن حصین غیر قابل نفوذ و تفسیر
آیا حضرت بهاء الله بکمال صراحت و اذعان تأکید فرموده اند که
« دست قدرت الهی امر خویش را بر اساس متین و بنیان حصین
بنانها ده » (ترجمه)

و همچنین در بیانات حضرت عبدالبهاء مشاهده شده که میفرماید
« فی الحقیقه خداوند آنچه را اراده نماید مجری سازد و احدی قادر
بر انعدام میثاق او نیست و نفس بر منع عنایات و یا مخالفت با امرش
مقتدر نه » (ترجمه)

همچنین « معرض فساد است جز میثاق الهی که دائم و مستمر است
و جمیع آفاق را فرا خواهد گرفت » (ترجمه)

و « امتحانات در هر دور و عصر با عظمت ظهور و متناسب است و چون
تا این زمان چنین عهد صوری که بقلم اعلیٰ مرقوم باشد اخذ نگردید
امتحانات این دور بهمان نسبت شدید و عظیم است » (ترجمه)
« این شبها نقض مانند کف دریاست ... این کفهای دریا بقای
ندارد و عنقریب محو و نابود گردد ولی دریا میثاق الابد پر موج است
و پر جوش و خروش »

حضرت ولی امر الله بصیرح بیان میفرمایند :

« صخره ای که این نظم اداری بر آن استوار است مشیت ثابت است

الهیة برای عالم انسانی در عصر حاضر است * »

و همچنین « گوهر گرانبها امر الهی که اکنون در حال جنین است در

صدق شریع مقدس نشو و نما نماید و بدون انقسام و انشفاق

تقدم و تعالی جوید تا آنکه عالم انسانی را فرا گیرد * » (ترجمه)

در امر بهائی دو مرکز قوم مقرر گردید که کافه اختیارات در

دست آنان است و اجابا الهی بایستی بآن دو مرکز توجه نمایند زیرا در

حقیقت مبین کلمه الله تجلی آن مرکز است که نفس کلمه الله باشد کتاب

مخزن بیانات حضرت بهاء الله است در حالیکه مبین کتاب که -

ملهم بالهامات ربانی است لسان گویا و زنده کتاب الله است و تنها

مبین کتاب است که میتواند با قدرت و اختیار تام معانی آیات منزله در کتاب

توضیح و تشریح نماید و بدین قرار ملاحظه میشود که یک مرکز عبارت است

از کتاب مبین آن مرکز دیگری بیت العدل اعظم است که بهدایت

ربانیته مهتد است میتواند نسبت به مسئله و موضوع که صریحاً

در کتاب مذکور نه اتخاذ تصمیم نماید *

کیفیت این دو مرکز منصوص و مردابط آنان بایکدیگر بنحویکه مذکور

شد در هر مرحله از مراحل توسعه و ترقی امر الله ظاهر و مشهود

و حضرت بهاء الله در کتاب اقدس خطاب ببیاران میفرمایند :
 « پس از غیبت آن مظهر مقدس الهی به کتاب و من اراد الله الذی
 اشعب من هذا الاصل القديم توجه نمایند و در کتاب عهدی
 توضیح میفرمایند که « مقصود از این آیایه مبارکه غصن اعظم بوده »
 همچنین در کتاب مستطاب اقدس مؤسسه بیت العدل را مقترن فرموده
 و اختیارات لازم برای ایفاء وظایف محوله بآن مؤسسه عنایت مینماید
 حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا مؤسسه ولایت امر را
 که بفرموده حضرت ولی امر الله در آیات کتاب اقدس بنجور و شنی
 بدان اشاره شده صریحاً تأسیس و وظایف اختیارات بیت العدل
 اعظم را تعیین و تبیین میفرمایند و بار دیگر اجباراً بر جمع بکتاب
 اقدس دلالت میفرمایند *

بقوله العزیزه « مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه
 راجع به بیت العدل عمومی و در پایان آن الواح مقدسه میفرمایند
 « باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداها کُل
 مخالف فی ضلال مبین » *

نظر ماینکه دایره اختیارات بیت العدل اعظم در وضع قوانین مجتهد
 به مواردی است که صریحاً در نصوص مبارکه مذکور نه واضح و معلو
 میشود که کتاب الهی بنفسه مرجع کل است و او است که حدود وظایف

بیت العدل را تعیین مینمایند همچنین قرار مبین کتاب نیز باید اختیار لازم برای تعیین حدود نمایندگان منتخب امر در مورد وضع قوانین داشته باشد * آنرا حضرت ولی امر الله و بیانات و اشارات ایشان که در مدتی بیش از سی و شش سال ولایت امصادر گردیده طریق را که برای اجراء این وظیفه نسبت به بیت العدل اعظم و همچنین محافل ملیته و محلیه اختیار فرموده اند بخوبی نشان میدهد *

این حقیقت که ولی امر الله اختیار دارد حدود عمل قانون گذاری بیت العدل اعظم را نقض نماید مستلزم این نتیجه نیست که بیت العدل اعظم بدون چنین هدایت ممکن است از حدود اختیارات مخصوصه خویش عدول کرده سرگردان بماند * چنین استنتاج با جمیع نصوص مبارکه راجع بعصمت بیت العدل اعظم و خصوصاً با بیان صریح در روشن ولی مقدس امر الله که میفرماید - بیت العدل اعظم هرگز بحدود و مقصد^{سه} مخصوصه ولایت امر تجاوز نخواهد نمود منافات خواهد داشت - علی ای حال باید متذکر بود که هر چند محافل روحانیه محلیه و ملیته مادام که بموجب موازین مقرر از طرف حضرت عبداله^{سه} بشو و تبادل افکار پردازند از هدایت الهیه برخوردار خواهند بود ؛ معذک از تضمین صریح که در حق بیت العدل اعظم درباره مصونیت از خطا عنایت شده برخوردار خواهند بود هر نفس بصیر که با توجه تا

حقایق امریه را مطالعه نماید بخوبی در خواهد یافت که حضرت ولی امر الله با چه توجه و دقت خاص پس از صعود حضرت عبدالبهاء نمایندگان منتخباً و ان رادار و رفاع نظم اداری امرالله تنظیم مقررات و خط مشی محافل ملی و محلی را هنما می فرمودند *

امید داریم که توضیحات فوق دوستان رادار درك این روابط بنحور و شناسگر كك و مساعدت نماید ولی باید متذکر باشیم که همه ما نسبت به مراحل مقدمه ما فی نظم ابداعی حضرت بهاء الله جناب نزدیکیم که هنوز نمیتوانیم بقوای مکتوبه و اجزای مرکبه روابط ضروریته آن پی بریم و این همان مطلبی است که منشی حضرت ولی امرالله در تاریخ ۲۵ مارچ ۱۹۳۰ از طرف هیکل مبارک بیکی از اجامر قوم داشته است که میفرماید :

« مندرجات الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بدرجه ای عمیق است که فهم آن برای نسل حاضر کما هو حقه متصور نیست لامحاله يك قرن عمل و فعالیت لازم است تا آنکه خازن حکمت مستوره در آن ظاهر و نمایان گردد و با تحقیقات مشتاقانه

بيت العدل اعظم